



روشد
ماهیانه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
دوره سی و ام / فروردین ماه ۱۳۹۳ / شماره بی در پی ۲۵۰

www.roshdmag.ir
e-mail: javan@roshdmag.ir
www.roshdmag.ir/weblog/javan

ماهیانه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
دوره سی و ام / فروردین ماه ۱۳۹۳ / شماره بی در پی ۲۵۰

یادداشت

نو ز کجا می‌رسد، کهنه کجا می‌رود

نوروز، روز نو شدن و فروردین، ماه شکوفه‌ها، ماه پدید آمدن برگ‌های نو بر نوشاخه‌ها و ماه روییدن گل بوته‌های نو است. آن را نو می‌نامیم، لباس نو می‌پوشیم، نو شدن را جشن می‌گیریم و می‌کوشیم نه فقط در ظاهر، بلکه از درون نیز نو شویم. پس، فروردین را نوترین ماه سال می‌دانیم.

اما آیا هرگز با خود اندیشیده‌اید که «نو» همواره از درون «کهنه» سر بر می‌آورد و بدون وجود کهنه، نو پدیدار نخواهد شد؟ آیا می‌دانید نوشکوفه‌های بهاری که در برابر چشمان ما می‌شکفند و ما را لبریز از شوق و تحسین می‌کنند، در واقع نو نیستند؟ بلکه در طول ماه‌ها درون غنچه‌ها آرام‌آرام شکل گرفته‌اند و در انتظار شکوفایی زیسته‌اند؟

آری، نوشکوفه‌های بهاری از ماه‌ها قبل به تدریج پدید آمده‌اند، شکل گرفته‌اند. به بیان دیگر، آنچه ما نو می‌پنداریم، در اصل نو نیست، بلکه آهسته آهسته به مدد آفتاب و باران از بخش‌های کهنه گیاه سر به در آورده و نمایان شده است. شاید گاه از سرمای زمستان نالیده و زبان به شکایت گشوده باشیم؛ شاید گاه در انتظار فرا رسیدن بهار، زمستان را تحمل کرده باشیم و شاید در دل آرزو کرده باشیم که ای کاش، زمستان سرد و یخبندان وجود نمی‌داشت، اما شاید غافل بوده‌ایم که بدون زمستان بهار هرگز از راه نخواهد رسید. بهار از دل زمستان بیرون می‌آید و زمستان را باید به راستی مادر بهار دانست. بدون پاییز و زمستان بهاری در کار نیست. این قانون طبیعت است. بهار، فصل شکوفایی بر همه شما شکوفه‌های بهاری سرزمین ایران که ریشه در فرهنگ عمیق این سرزمین دارید، فرخنده باد.

این شماره دویست و پنجاهمین شماره رشد جوان است؛ مجله‌ای که با گذشت هر ماه، شکوفه‌ای جدید می‌دهد و حیات خود را مدیون همکاران قدیمی‌ای است که با چندین دهه تلاش این نهال را به درختی تناور تبدیل کرده‌اند. بر یک عمر تلاش صادقانه همه دوستان قدیمی درود می‌فرستیم.

محمد کرام‌الدینی



مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: محمدعلی قربانی

شورای کارشناسی: حسین امینی پویا،

محمد کرام‌الدینی، ناصر نادری،

حبیب یوسف‌زاده، علیرضا منولی

مدیر داخلی: مریم سعیدخواه

ویراستار: لیلا جلیلی

طراح گرافیک: ایمان اوجیان

شمارگان: ۱۲۵۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

نشانی دفتر مجله: تهران، خیابان ایرانشهر

شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۴

تلفن: ۸۸۴۹۰۹۶ - ۸۸۴۹۰۹۷۸ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

شماره تلفن پیام گیر: ۸۸۳۰۱۴۸۲

نشانی مرکز بررسی آثار: تهران - صندوق پستی

۷۷۳۳۶۵۵ - ۶ - تلفن: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۴

- ۱۲ ماشین پرنده ابن‌فرناس
- ۱۴ ذره‌ذره تا ۲۹ تریلیون تومان!
- ۱۶ این و آن
- ۱۸ خودروی ساخت من
- ۲۲ فرشته‌های ساکن زمین
- ۲۴ شوت روی‌ماسه‌ها
- ۲۶ جا + لباس
- ۲۸ مکانیک‌های فضایی
- ۳۰ قاصدک‌های جوان
- ۳۲ نانو در طبیعت
- ۳۴ تقویم تاریخ
- ۳۶ زنگ تفریح
- ۴۰ طنز منظوم
- ۴۲ Banana Bread
- ۴۴ پیشنهاد
- ۴۶ خلاقیت
- ۴۸ بازی دوباره



۱۵

پرندگان رنگارنگ ایران

رنگ از اجزای اصلی طبیعت است. کافی است لحظه‌ای چشم‌های خود را ببندید و دنیای بدون رنگ را تصور کنید؛ دنیایی سیاه و سفید، بدون سبز و سرخ و آبی و زرد.



۲ جدا نشدن محمدامین از کاغذها!

۴ سرماخوردگی روان

۶ بدگمانی

۸ حقوق و تکالیف

احساس بزرگ‌شدن

نیلوفر پور کمالی شانزده ساله است و اهل شیراز. او می‌خواهد وقتی بزرگ‌تر شد دندان پزشکی شود....

۲۰

جدا نشدن محمد امین از کاغذها!

تهمینه حدادی عکس: شیدا هاشمی

محمد امین اعظمی در رشته «چاپ» مشغول تحصیل است. آن هم در هنرستان سروش اصفهان. اولین چیزی هم که یاد گرفته است کار با حروف سربی است. مثل قدیم ها به آنها یاد داده اند که دانه دانه حروف را کنار هم بچینند و صفحه آرای کنند؛ مانند همان روزهای اولی که دستگاه چاپ اختراع شده بود. بعد هم ببرند و بگذارند در ماشین چاپ و اولین محصول چاپی خود را بیرون بدهند. می گوید این بخش فقط برای آموزش است و گرنه می دانید که سال هاست این روش منسوخ شده است. بعد ما را می برد بالای سر دستگاه ها و به ما نشان می دهد که از کجا جوهر ریخته می شود و از کجا کاغذ بیرون می آید. با حتی برای ما کاغذ برش می زند. حسابی کیف دارد وقتی می بینی کتابی که در دست توست و اتفاقا درسی هم نیست و داستان است و تو عاشقش هستی چطور تولید شده! کیف دارد میان کاغذها زندگی کنی و به آنها زندگی ببخشی!

به این مرحله نمی رسد؛ چون مطمئنم دلایل آنها قانع کننده نخواهد بود. اگر این رشته نبود چه رشته ای را انتخاب می کردی؟ پدرم می گفت که بروم رشته ریاضی، اما من فنی را دوست داشتم و تحقیق هایم

اگر بگویند در یک خط رشته ات را تعریف کن چه می گویی؟ به چاپ روی کاغذ، صحافی و یاد گرفتن چاپ روی دیگر اجسام می گویند «چاپ».

اگر رشته تو نبود چه می شد؟ نه کتابی چاپ می شد، نه روزنامه ای و مردم از اطرافشان بی خبر می ماندند. آن وقت می شدیم انسان اولیه. اگر بخواهی کسی را تشویق کنی که رشته تو را انتخاب کند، چه می گویی؟

برایش توضیح می دهم که بازار کار این رشته خیلی خوب است و فقط چهار شهر در کشور این رشته را دارند؛ برای همین، کار برای تمام فارغ التحصیلان این رشته فراهم است.

اگر بگویند از فردا دیگر حق کار عملی نداری چه کار می کنی؟

دلیلش را می پرسم و اگر دلیلش قانع کننده بود، قبول می کنم. در غیر این صورت من قانعشان می کنم.

چطور قانع می کنی؟

را انجام داده بودم؛ بنابراین اول و آخر می آمدم این رشته.

اگر کسی رشته تو را مسخره کند چه کار می کنی؟ خوشم نمی آید. شاید مثل خودش رفتار کنم.

اگر کلاً درس و مدرسه نبود، دنیا بهتر نبود؟ نه، باید باشد.

چرا؟! اگر تئوری وجود نداشته باشد کار عملی هم وجود نخواهد داشت!

اگر بگویند یک آرزوی کاری بکن، چه می گویی؟

روزی چاپخانه دار بزرگی بشوم. با شنیدن این کلمات اولین چیزی را که یاد می آید، بگو:

گوتنبرگ: اولین مخترع چاپ ادیسون: گذاشتن شمع جلوی آینه

حروف سربی: بیماری بافتنی: دوست دارم یاد بگیرم

چاپ دستی: بیماری کتاب داستان: کودکان



آیا می دانستید؟

چاپ با سمه‌ای اولین نوع چاپ به حساب می‌آید. در این روش، نقش‌ها بر روی صفحه‌ای چوبی حکاکی و بعد بر روی پارچه چاپ می‌شد. اولین بار در حکومت چین امپراتور ون‌تی، دستور می‌دهد تصاویر و متون بودایی را چاپ کنند. واژه چاپ و صورت قدیمی‌تر آن «چهپ» برگرفته از واژه مغولی چاو است که معنای آن می‌شود «فشردن سطحی بر سطح دیگر». چاپ در لغت به معنای نقش، اثر، مهر و نشان است و البته کلمات طبع، با سمه، و تافت به‌عنوان مترادف آن به‌کار رفته است. اولین کتابی که یوهانس گوتنبرگ زیر چاپ برد یک انجیل بود که در هر صفحه ۴۲ سطر داشت و حتی به انجیل ۴۲ سطری هم معروف شد. او اسم ماشینش را هم ماشین «فشاریچی» گذاشت.

درباره شروع چاپ سنگی در ایران روایات متعددی وجود دارد، اما روایت قوی‌تر این است که چاپ سنگی را برای نخستین بار میرزا صالح شیرازی در تبریز راه‌اندازی کرد. میرزا صالح که از سوی دولت ایران برای فراگیری هنرهای جدید به اروپا رفته بود، در بازگشت یک دستگاه چاپ سنگی با خود به تبریز آورد که آن را در سال ۱۲۲۵ ق راه انداخت. چاپ‌خانه سنگی در مدت کوتاهی در تهران، اصفهان و سپس سایر شهرهای ایران تأسیس شد و بیش از پنجاه سال تنها روش چاپ در ایران بود و تا اواخر دوره قاجار، هرچه در ایران چاپ می‌شد، به روش چاپ سنگی بود. البته هشت سال قبل از ورود چاپ سنگی به ایران چاپ سربی راه‌اندازی شده بود، ولی به علت هزینه و زحمت زیاد آن، پس از ورود چاپ سنگی، کنار گذاشته شد ولی بعدها در اواخر دوره قاجار دوباره استفاده از حروف سربی رایج گردید.



رشته چاپ چیست؟

رشته چاپ تمام مراحل چاپ و تولید یک اثر روی کاغذ و... از زمان تحویل‌گیری تا آماده شدن آن را دربرمی‌گیرد. کسانی که در این رشته درس می‌خوانند با تمام ماشین‌های برش، چاپ، دستگاه‌های صحافی و افست آشنا می‌شوند. عیب‌یابی و تعمیر این دستگاه‌ها هم بخشی از آموزش آنهاست. رشته چاپ به دقت زیادی احتیاج دارد. از آنجا که برش، چاپ و علامت‌گذاری کاغذها مهم است و برای مثال در یک کتاب ششصد صفحه‌ای باید تمام بخش‌ها شبیه هم باشند افرادی که در این رشته فعالیت می‌کنند باید تمرکز زیادی داشته باشند. آنها باید ساعت‌ها سرپا بایستند تا بتوانند کاغذها را به قطع دلخواه درآورند و یک صدم میلی‌متر هم خطا نداشته باشند. همیشه هم این‌طوری است که ابتدا یک چاپ زده می‌شود، عیب‌یابی می‌شود و بعد از رفع عیب‌ها در حجم زیاد یک اثر چاپی تولید می‌شود. کسانی که وارد این رشته می‌شوند باید بدانند این رشته را تا دکترا می‌توانند ادامه بدهند.

جز درس

- ۱ حروف سربی بیماری پوستی به همراه می‌آورند. به‌خاطر همین همه دانش‌آموزان یا شاغلان این رشته هر روز شیر می‌خورند. آنها قانون‌های دیگری را هم باید رعایت کنند. مدام باید دست‌هایشان را بشویند و اینکه ناخن‌هایشان نباید به هیچ‌وجه بلند باشد.
- ۲ باید مراقب دستگاه‌های چاپ و البته مراقب دست‌ها هم بود. اولی‌اش برای این است که خدای نکرده کلی کاغذ حیف و میل نشود و دومی برای اینکه تیغه‌های دستگاه‌ها بسیار برنده‌اند؛ یعنی اگر یک‌هوا آستین آدم زیر این تیغه‌ها گیر کند واپلاست.
- ۳ چاپ روی وسایل دیگر هم از برنامه‌های درسی است. چاپ روی پارچه و لیوان کمترین کاری است که دانش‌آموزان انجام می‌دهند.
- ۴ گم شدن وسایل هم از خطوط قرمز است. اگر چیزی گم شود مجبورید به دوستانتان زل بزنید که به خانه می‌روند و خودتان در مدرسه بمانید.

سرماخوردگی روان

آناهیتا تاشک

- مشکلات گوارشی شامل درد معده، تهوع، اشکال در هضم و تغییر در کارکردهای روده‌ای مثل یبوست
- کاهش یا افزایش غیرمتعارف وزن

تعداد مبتلایان

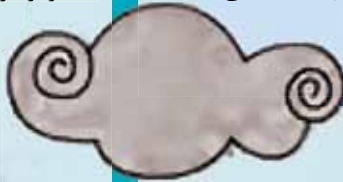
ابتلا به افسردگی آن قدر زیاد است که آن را معادل بیماری سرماخوردگی می‌دانند و حتی آن را «سرماخوردگی روانی» می‌نامند. البته عنوان شده است میزان شیوع این اختلال در زنان بیشتر از مردان است.

البته نوع علائم و نوع برخورد با این اختلال در زن و مرد متفاوت است. اکثر مردان نمی‌پذیرند که اختلال دارند و خیلی کمتر برای بهبود و درمان به متخصص مراجعه می‌کنند. برخی علائم شایع در افسردگی مردان عبارت است از: دشواری در تمرکز، عصبانیت و پرخاشگری مداوم، سوءمصرف مواد، دردهای مزمن و مشکلات گوارشی، بی‌تعادلی در خواب و خستگی افراطی و بیش از حد.

درمان

اگر فرد غمگینی هستید و هر از گاهی گریه می‌کنید دلیل نمی‌شود که مبتلا به اختلال افسردگی باشید. تشخیص اختلال به عهده متخصص است. اگر علائم بالا را به مدت شش ماه و در بیشتر روزهای هفته تجربه می‌کنید باید به متخصص مراجعه کنید. همان‌طور که از نظر شیوع، افسردگی به سرماخوردگی تشبیه شده از لحاظ روش‌های درمانی نیز بسیار پیشرفت کرده است. البته نکته بسیار مهم پی‌بردن به دلایل ابتلا به این نوع

بی‌حوصله و کلافه بود. این روزها اشتها به غذا نداشت. احساس می‌کرد نا ندارد از رختخواب بلند شود. خودش می‌گفت انگیزه‌ای ندارد و به همین دلیل کارهایش روی هم انباشته شده است. بعدازظهر و عصر احساس بهتری داشت، اما این احساس غمگینی تقریباً همیشه با او بود. احساس بی‌ارزشی داشت. فکر می‌کرد چرا به دنیا آمده است و حتی پدر و مادرش را در تمام گرفتاری‌هایش مقصر می‌دانست. عجیب بود، اما وقتی آگاهی تسلیت یکی از همسایه‌ها یا اقوام را می‌دید آه می‌کشید و با خودش می‌گفت خوش به حالش!



آن قدر کارهایش را کند انجام می‌داد که همه به او اعتراض می‌کردند. البته در خانه علاوه بر اعتراض، خوشبختانه یا کاری برای انجام دادن به او ارجاع نمی‌دادند یا کارهایی را هم که به او محول کرده بودند آن قدر طول می‌کشید که ترجیح می‌دادند خودشان انجام دهند. البته برای انجام کارهایی که نیاز به حضور در جمع یا خارج از خانه بود بهانه‌تراشی می‌کرد و به مرور خانواده یاد گرفته بودند که چنین کارهایی را به عهده او نگذارند. موارد مطرح شده گویای حال افرادی است که اختلال افسردگی را تجربه می‌کنند. اما علائم افراد با یکدیگر متفاوت است.

علائم افسردگی اساسی

- ناتوانی لذت بردن از هر چیزی
- احساس ناامیدی یا بی‌ارزشی
- احساس افراطی گناه یا خودسرزنی
- فقدان صمیمیت نسبت به خانواده و دوستان
- بدبینی نسبت به آینده
- احساس درماندگی
- غمگینی، اضطراب، خشم و دیگر عواطف ناخوشایند
- فقدان علاقه به فعالیت‌های قبلی و کناره‌گیری از دیگران
- غفلت از مسئولیت‌ها
- توجه نکردن به ظاهر شخصی
- تحریک‌پذیری و به‌آسانی دست‌خوش خشم شدن
- نداشتن انگیزه پیگیری اهداف
- نارضایتی کلی از زندگی
- کاهش توان حافظه، ناتوانی در تمرکز، بلاتصمیمی و آشفتگی
- کاهش توانایی رویارویی با مسائل روزمره
- خستگی مزمن و فقدان انرژی
- بی‌اشتهایی کامل یا خوردن اجباری
- بی‌خوابی، بیداری زود هنگام صبحگاهی یا خواب بیش از حد
- سردردها، کمردرد و سایر شکایات مشابه بدون دلیل



بیماری است. شاید برایتان جالب باشد بدانید حتی افسردگی فصلی وجود دارد؛ یعنی در فصولی که هوا ابری است یا طول روز کوتاه است و همین‌طور در کشورهایی که تاریکی را زمان بیشتری از سال تجربه می‌کنند این اختلال شایع است. بنابراین برای این نوع افسردگی در معرض نور خورشید قرار گرفتن، ورزش کردن و خارج شدن از منطقه‌ای که بارندگی و ابری بودن هوا زیاد است، درمان محسوب می‌شود.

یکی از مواردی که جزو علائم افسردگی در نظر گرفته می‌شود و حتی می‌توان از آن برای درمان استفاده کرد، افکار و تفسیرهای منفی است. این توصیفات را زیاد شنیده‌اید، من چقدر بدشانسم، همه با من بد هستند، هیچ‌کس مرا دوست ندارد و موارد دیگر. در نوعی روش روان‌درمانی این تفسیرهای منفی که به آنها خطاهای فکری گفته می‌شود، درمان می‌شوند. توجه داشته باشید در تمام بیماری‌ها همیشه متخصص باید راهکار پیشنهاد دهد.



بدگمانی

امام علی (ع) فرموده‌اند: «آدم بد، به هیچ کس خوشبین نیست؛ زیرا همه را مانند خودش می‌بیند.» بدگمانی آثار فردی و اجتماعی و معنوی زیان‌باری به دنبال دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ای مؤمنان! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید. به راستی که برخی گمان‌ها، گناه می‌باشد و نیز تجسس و غیبت نکنید، آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده خود را بخورد؟» (حجرات: ۱۲)

علا پناهی

عکس: پیمان نیکبخت

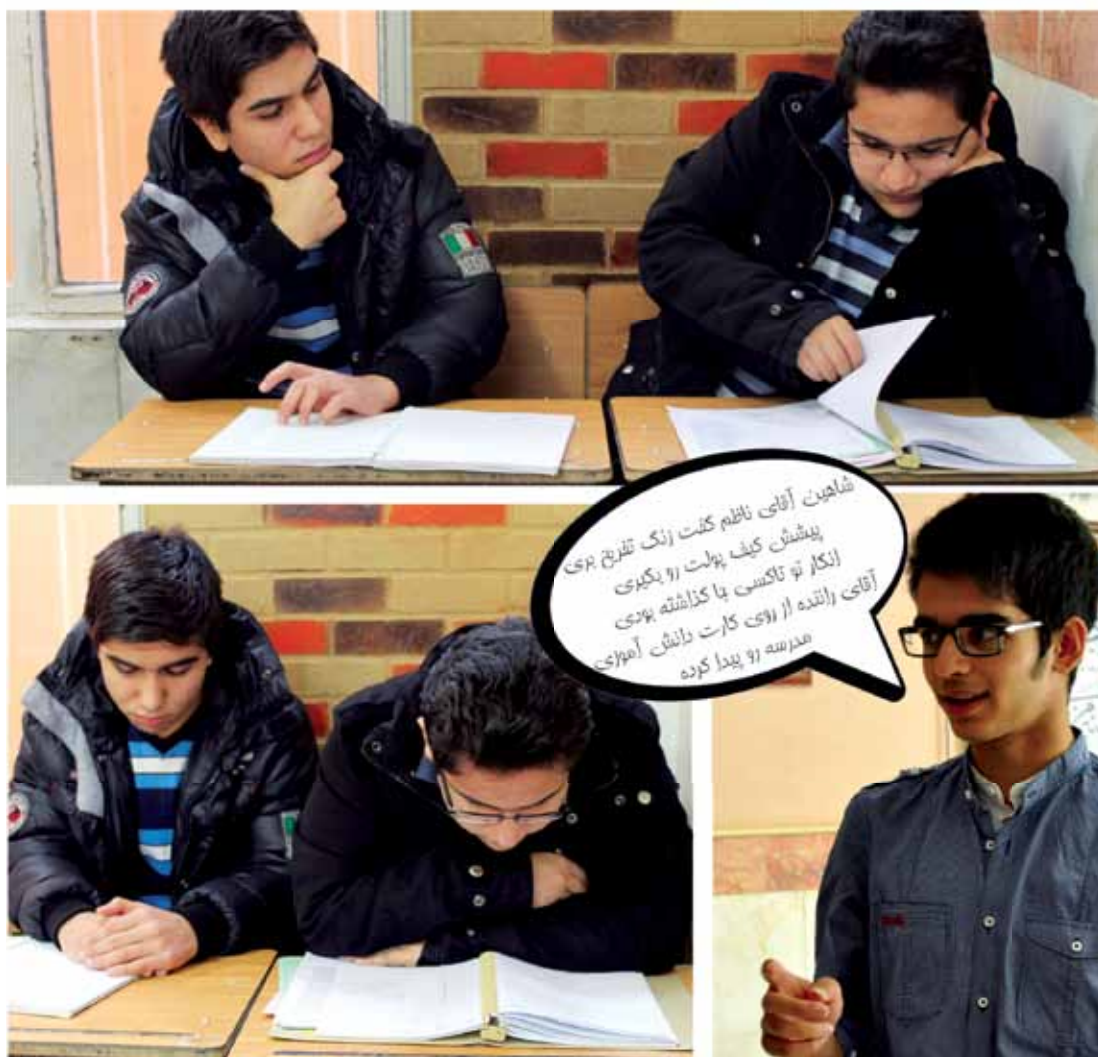
زیان‌ها و آثار بدگمانی

شخص بدگمان گوشه‌گیری می‌شود، امام علی (ع) می‌فرمایند: «کسی که به مردم گمان خوبی ندارد و نسبت به آنان خوش گمان نمی‌باشد، از تمام مردم وحشت می‌کند.» بدگمانی باعث گسستن رشته الفت و دوستی میان مردم می‌شود و تفرقه را بین مردم حاکم می‌سازد. باز امام علی (ع) می‌فرمایند: «بر هر که بدگمانی چیره شود، صلح و صفا میان او و دوستانش از میان می‌رود.» از نظر معنوی نیز بدگمانی، عبادت را تباه می‌سازد و اثر آن را از بین می‌برد. در این مورد هم امام علی (ع) می‌فرمایند: «از بدگمانی بپرهیز، چون اثر عبادت را از بین می‌برد و گناه انسان را بزرگ می‌کند.» ایمان با بدگمانی جمع نمی‌شود. گمان بد نسبت به انسان نیکوکار، بدترین گناه و زشت‌ترین ظلم است.

درمان بدگمانی

۱- برای جلوگیری از بدگمانی نسبت به دیگران باید در همان مرحله فکر، گمان بد را از ذهن دفع نمود و اجازه ریشه‌دار شدن به آن نداد. ۲- راه‌هایی را بیابیم و با آنها رفتار فردی را که به او بدگمان شده‌ایم توجیه کنیم ۳- توجه داشته باشیم که خود ما بدگمانی دیگران را در مورد خود نمی‌پسندیم، پس برای دیگران نیز آن را نپسندیم. ۴- به رفتارهای خوب و جنبه‌های مثبت فردی که به او بدگمان گشته‌ایم توجه کنیم و تنها به اموری که موجب بدگمانی ما شده اکتفا نکنیم. ۵- با دعا و توسل به ائمه (ع) از خداوند بخواهیم دل ما را از آلودگی‌ها و بدبینی‌ها پاک کند تا به دیگران محبت بورزیم. ۶- به حدی به ضعف و نقایص خود بپردازیم تا فرصتی برای پرداختن به عیوب دیگران نیابیم.





حقوق و تکالیف

پریسا برازنده

هر جامعه، مجموعه قوانینی برای برقراری نظم و زندگی بهتر دارد که حد و مرز حقوق و آزادی‌های فردی را در جامعه مشخص می‌کنند. با آگاه شدن از این حقوق می‌توانیم به اصلاح رفتارها و ارتباط بهینه در جامعه کمک کنیم. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «گمان را ملاک قضاوت و عدالت قرار ندهید.»



قضایی است.

شاکی کیست؟ شاکی در لغت به معنی شکایت کننده و گله کننده است. و در اصطلاح به کسی می گویند که از دست فردی به یکی از مقامات رسمی مرجع، شکایت شفاهی و کتبی می کند.

و حالا ادامه ماجرا...

هم کلاسی شما ناراحت شده است؛ چون شما به او به اشتباه اتهام وارد کرده اید و آبروی او را نزد دیگران برده اید و از نظر روحی و موقعیت در جامعه لطمه زده اید. پس او حق دارد از شما اعاده حیثیت کند. اما اعاده حیثیت چیست؟ اعاده حیثیت در لغت به معنی بازگرداندن آبروست. از نظر حقوقی؛ یعنی جبران تمامی زیان های مادی و معنوی ناشی از ناسزا و فحش، افترا، دروغ و اتهام اشتباه از سوی فرد اتهام زننده یا دستگاه قضایی است. اعاده در لغت به معنای اعطا، بازگرداندن، رجعت، جبران کردن و برگرداندن است. حیثیت نیز به معنای آبرو، اعتبار، حقوق و شخصیت است. به کارهایی که هر روز خودمان و دیگران انجام می دهیم، دقت کنیم! شاید خیلی از اعمال ما و دیگران، بازی با آبروی دیگران است و شامل اعاده حیثیت می شود.

پس مواظب انگشت قضاوت (انگشت اتهامتان) باشید! و فراموش نکنیم! حضرت علی (ع) می فرمایند: «هر آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران هم پسند و هر آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران هم نپسند.»

است و مشکوک به نظر می رسد. متهم کیست؟ متهم در لغت به معنی کسی است که به او اتهام یا تهمت وارد شده و به حق یا ناحق در مظان ارتکاب جرمی قرار گرفته است و می خواهید عدالت کیفری درباره او اجرا شود.

جرم چیست و مجرم کیست؟ جرم عملی است که برخلاف قوانین مجازات هر کشور انجام شود و مجرم کسی است که در زمان معینی عمل او خلاف مقررات رسمی کشور باشد.

فرق متهم و مجرم چیست؟ متهم کسی است که از انجام جرم او اطمینان حاصل نشده است؛ پس تا پیش از اثبات جرم او مجرم محسوب نمی شود و فقط متهم به ارتکاب جرم است، اما مجرم کسی است که انجام جرم او ثابت شده است و دیگر نیاز به اثبات نیست؛ بلکه نیاز به قضاوت و صدور حکم

فرض کنید خودنویسی را که پدرتان به مناسبت روز تولدتان به شما هدیه داده بود، گم کرده اید و همان خودنویس را دست یکی از هم کلاسی هایتان می بینید. شک می کنید! مبدا این همان خودنویس شماست. پس به او ظن می برید. از آن لحظه، او برای شما یک مظنون است. رفتارتان با او تغییر می کند. شب و روز درباره او فکرهای عجیب و غریب می کنید تا روزی که به او می گوید خودنویسش به واقع مال او نیست و به او اتهام می زنید و او را متهم به دزدی می کنید. دفاع او برای شما اهمیتی ندارد و هر لحظه بیشتر مطمئن می شوید که او مجرم است؛ یعنی فکر می کنید او دزدی کرده است و شاکی می شوید و می خواهید از او شکایت کنید. در همین لحظه، معلم خودنویستان را که چند روز پیش روی میزش جا گذاشته بودید، به شما می دهد....

آیا به واقع می دانیم هر کدام از کلمات استفاده شده در متن بالا، در قانون چه معنایی دارند و از نظر حقوقی چه تکلیفی را شامل می شوند؟

مظنون کیست؟ مظنون کسی است که برای عملی به او شک برده شده

پرندگان رنگارنگ ایران

محمد کرام الدینی

رنگ از اجزای اصلی طبیعت است. کافی است لحظه‌ای چشم‌های خود را ببندید و دنیای بدون رنگ را تصور کنید؛ دنیایی سیاه و سفید، بدون سبز و سرخ و آبی و زرد. بی‌گمان چنین دنیایی برای ما که با رنگ‌ها آشنا هستیم، آنها را می‌شناسیم و از هم تشخیص می‌دهیم، بسیار کسل‌کننده و غم‌انگیز است؛ به‌گونه‌ای که شاید بسیاری از ما از تصورش هم پرهیز کنیم. پرندگان رنگ‌های طبیعت را جلوه‌گر می‌کنند. طبیعت بدون رنگ‌های پرندگان بی‌جان و ساکت به‌نظر می‌آید. معدودی از پرندگان مانند دم‌جنبانک سیاه و سفیدند. برخی تک‌رنگ‌اند، اما گروهی رنگارنگ‌اند و روی بدن آنها می‌توان رنگ‌های متنوع و بسیاری را مشاهده کرد.

رنگ و بی‌رنگی

سرشانه‌هاش سیاه و سبز، پاها و منقارش صورتی و زیر تنه‌اش سفید است. تنجه در سواحل دریاچه‌ها و تالاب‌ها آشیانه‌اش را در سوراخ‌های درون سنگ‌ها می‌سازد.

زنبور خواران تمام‌رنگی

خانواده زنبور خوارها از پرندگان رنگی ایران‌اند. زنبور خوار معمولی سر خرمایی رنگ، پشت و گلوی زرد روشن، زیر تنه آبی فیروزه‌ای و دم سبزرنگ دارد. این پرندۀ گروهی زندگی می‌کند و از حشراتی مانند زنبور تغذیه می‌کند.

ماهی‌خورک‌ها

بدن ماهی‌خورک‌ها نیز رنگارنگ است، جز ماهی‌خورک ابلق که سیاه و سفید است. رو تنه آن آبی و سبز براق، زیر تنه قرمز، گلو و گردن سفید و نخودی و منقارش تیره‌رنگ است.

سینه‌حنایی

سینه‌سرخ همان‌گونه که از نامش پیداست، سینه‌ای سرخ‌حنایی دارد. این پرندۀ از پرندگان آوازخوان و مهاجر است. معمولاً زمستان‌ها به ایران می‌آید و تابستان‌ها به اروپا مهاجرت می‌کند.

برخی پرندگان بر اثر تابش نور خورشید تغییر رنگ می‌دهند؛ برای مثال تابش نور به پرهای سیاه‌خروس تالگویی از رنگ‌های سبز تیره و بنفش می‌دهد. آیا تاکنون به تغییر رنگ گردن کبوتر چاهی بر اثر تابش نور توجه کرده‌اید؟

کاربردهای رنگ

رنگ نقش‌های مهمی در زندگی پرندگان دارد. پرندگان برای جلب جفت، استتار و همرنگی با محیط از رنگ استفاده می‌کنند. برای جفت‌یابی از رنگ‌های تند و جذاب استفاده می‌کنند، اما برای استتار، رنگی همرنگ محیط به‌کار می‌برند تا دیده نشوند.

تنجه

از پرندگان رنگارنگ ایران است. روی بدنش می‌توان رنگ‌های سفید، سیاه، سبز، بلوطی و صورتی را مشاهده کرد. تنجه (نوعی اردک) است که به غاز شباهت دارد. سر آن سیاه و درخشش سبز براق دارد. نوار بلوطی رنگی روی سینه و نوار طولی سیاهی در سطح شکمش دارد. شاه‌پره‌های اولیه و



زنبور خوار تمام‌رنگی

آبی خوش رنگ

پره‌ای سبز قبا برخلاف نامش سبز نیست، بلکه آبی فیروزه‌ای است. رو تنه آن قهوه‌ای است. سبز قبا پرنده‌ای بزرگ و اندکی کوچک‌تر از کلاغ است.



سبز قبا

سینه سرخ



تنجه



زنبور خواران تمام رنگی

ماشین پرنده ابن فرناس

مسلمانان و علم فیزیک

ناصر نادری

واژه فیزیک به معنی «طبیعت» است؛ بنابراین انتظار می‌رود فیزیک علمی باشد که مطالعه پدیده‌های طبیعی را دربرگیرد. مسلمانان با استفاده از آیه‌های قرآن کریم که بارها انسان را به تفکر در پدیده‌های طبیعی دعوت کرده است و نیز براساس مشاهدات و تجربه‌های خود، در زمینه علم فیزیک به دستاوردهای درخشانی رسیده‌اند. در این شماره، به برخی از این دستاوردها و خدمات می‌پردازیم.

کندی و مبحث نور

ابن فرناس و تسخیر آسمان

عباس بن فرناس، نخستین پرواز در آسمان را سال ۲۳۸ ق انجام داد. وی با شنل گشادی که با بست‌های چوبی سخت و سفت شده و شکل بال به خود گرفته بود، از مناره مسجد بزرگی پایین پرید. این شنل در حکم بال‌های او بود و باعث می‌شد که در هوا سُر بخورد، مانند کسی که با چتر در هوا حرکت می‌کند یا کایت‌سوار است. تلاش او ناموفق بود، اما سقوط وی، آن قدر آرام اتفاق افتاد که در نتیجه آن، خیلی جزئی صدمه دید. او بعدها ماشین پرنده با بال‌های بزرگ در سده‌های میانه پدید آورد. وی در حدود ۱۲۰۰ سال پیش، در هفتاد سالگی با ماشین پرنده‌اش پرواز کرد که از ابریشم و پر عقاب ساخته بود.

ابن هیثم، بزرگ‌ترین فیزیک‌دان مسلمان

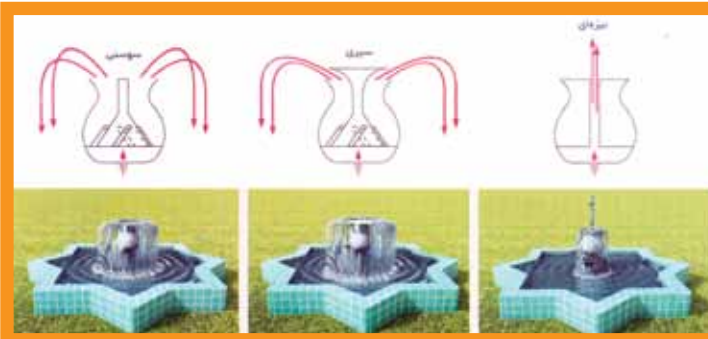
وی در مباحث نور و علم مناظر

«یعقوب بن اسحاق کندی» پانزده جلد کتاب در باب شناخت هوا، وزن مخصوص، جزر و مد، مبحث نور و انکسار نور نگاشته است. جالب اینکه کتاب «نور» وی به لاتین ترجمه شده و پایه پیشرفت‌های بعدی در این زمینه شده است.

بئوموسی و ابزارهای مکانیکی

پس از کندی، بئوموسی (فرزندان موسی بن شاکر) به‌عنوان چهره‌های ماندگار فیزیک و مکانیک شناخته شده‌اند. از قرار معلوم، نخستین کتاب درباره مکانیک را سال ۸۶۰ م آنان نگاشته‌اند و در آن صد وسیله مختلف را توصیف کرده‌اند؛ مثل فواره‌هایی که شکل آنها به تناوب تغییر می‌کند، چراغی که خودبه‌خود شعله‌اش تنظیم می‌شود و خودبه‌خود سوخت می‌گیرد، نوعی دم برای خارج ساختن هوای آلوده از چاه‌ها و نیز یک بیل مکانیکی برای حفاری در کف رودخانه‌ها و دریاها.

(نورشناسی) بسیار تحقیق کرد و حدود دویست جلد کتاب در این باره نگاشت. از کارهای مهم او تخطئه نظر بطلمیوس و اقلیدس درباره دیدن بود. او ثابت کرد که دیدن به وسیله اشعه‌ای صورت می‌گیرد که از سوی اجسام به چشم می‌رسد و عصب چشم را متأثر می‌کند. در حالی که اقلیدس و بطلمیوس فکر می‌کردند این اشعه از درون چشم منشأ می‌گیرد. ابن هیثم با آزمایش، انعکاس نور و انکسار آن را ثابت کرد و قانون منحنی بودن سیر اشعه نور را وضع کرد. همچنین مبانی چگالی مخصوص را کشف کرد و فهمید وزن هر جسمی با دگرگونی غلظت هوای محیط بر آن دگرگون می‌شود. پنج قرن پیش از آنکه اروپا به وزن هوا پی برد، ابن هیثم آن را محقق داشت و قانون جاذبه را نیز



سه نمونه فواره آبی

جَزْری و ساعت آبی

در آغاز سدهٔ سیزدهم، جَزْری کتابی در مکانیک نوشت. در این کتاب که شش بخش داشت، پنجاه وسیلهٔ مکانیکی پیچیده همچون ساعت‌های آبی و فواره‌ها را شرح داده بود.

در سال ۱۹۷۶ م، سه ماشین از ماشین‌های جَزْری در انگلستان (لندن) ساخته شد که یکی از آنها ساعت آبی بزرگی بود که با دقت تمام کار می‌کرد.

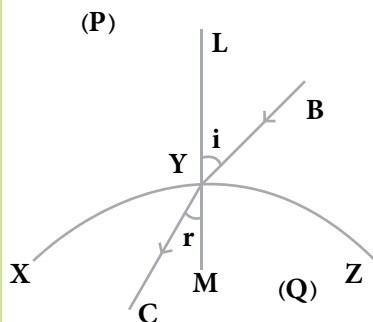
مسلمانان در ساختن ساعت‌های خورشیدی، تجربهٔ بسیار داشتند، ولی در ساختن ساعت‌های دیگر نیز تخصص فراوانی نشان دادند؛ ساعت‌هایی که با فشار آب، فشار جیوه، اثر حرارت شمع یا وزنه به حرکت درمی‌آمدند. در میان ساعت‌هایی که تکنسین‌های مسلمان اختراع کردند، یک ساعت خورشیدی زنگی بود که هنگام ظهر، جامی فلزی را به صدا درمی‌آورد.

همچنین ساعتی ساخته بودند که دارای محفظهٔ آب بود و با فشار آب در هر ساعت، گلوله‌ای در ظرفی فلزی رها می‌کرد و دارای صفحه‌ای بود که ستارگان معینی را از میان بُرج دوازده‌گانه به تناسب زمان می‌گذراند. یا اینکه، شب هنگام از داخل دوازده دریچه که در نیم‌دایره‌ای قرار داشتند، در حالی که هلال ماه از پشت آنها می‌گذشت، یکی پس از دیگری نور می‌تافت.



تندیس ابن‌فرناس
در بغداد

است. نور در گذر از Q به P از خط قائم دور خواهد شد. مسیر پرتوهایی که به خط قائم نزدیک‌تر باشد، انحراف کمتر و مسیری که از خط قائم دورتر باشد، انحراف بیشتر دارد. تنها پرتوی که خم نمی‌شود، پرتوی است که مسیر آن در امتداد خط قائم باشد.



اثبات کرد. وی توانست نظریهٔ عدسی‌های تلسکوپی را کشف کند، در حالی که حدود سه قرن بعد، تازه این‌گونه عدسی‌ها در اروپا اختراع شد!

نور در گذر از درون محیط‌های یکنواخت، خط مستقیم را طی می‌کند، اما هنگامی که از محیطی به محیطی دیگر وارد می‌شود، معمولاً مسیر آن کج می‌شود. این انحراف مسیر را «شکست» (انکسار) می‌نامند. فرض کنید: XYZ نشانهٔ مرز میان محیط شفاف P و Q (شکل ۱) باشد و LM هم در نقطهٔ Y بر این خط مرزی عمود باشد. پرتو BYC در گذر از P به Q در نقطهٔ Y انحراف پیدا می‌کند.

همان‌گونه که می‌بینید: اگر پرتو نور به هنگام ورود به Q به خط قائم نزدیک شود، می‌گویند Q از لحاظ نوری از P چگال‌تر

- منابع
۱. فرهنگ اسلام در اروپا، ژنرید هونکه، ترجمهٔ مرتضی رهیانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۲. زندگی‌نامه علمی دانشمندان اسلامی، ترجمهٔ احمد آرام و...، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۳. تاریخ علم کمبریج، کالین ران، ترجمهٔ حسن افشار، نشر سعدی.
 ۴. مسلمانان در بستر تاریخ، یعقوب جعفری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۵. تاریخ در فلسفه علم، ترجمهٔ عبدالحسین آذرنگ، انتشارات سروش.

ذره ذره تا ۲۹ تریلیون تومان!

حسین نامی ساعی

بعضی جملات خیلی پرانرژی و حکمت آمیز هستند؛ مثل ضرب المثل «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود».

به راستی قطرات کوچک و ناچیز باران هستند که جوی ها، رودها و دریاها را به وجود آورده اند. یک مثال ساده می زنم. فرض می کنیم شما که این مقاله را می خوانید هفده ساله باشید، اگر در پایان هشت سالگی خواندن و نوشتن را یاد گرفته باشید تا هفده سالگی می شود نه سال. اگر در این نه سال به صورت میانگین شبی یک صفحه کتابی غیر از کتاب های درسی تان را می خواندید - یادتان باشد که مطالعه یک صفحه در یک شب مانند خواندن قطره ای از دریای کتاب است - آن وقت در نه سال می شد:

$$365 \times 9 = 3285$$

میانگین صفحات کتاب های کودک و نوجوان از صد صفحه بیشتر نیست؛ بنابراین به طور تقریبی در این نه سال بیشتر از سی کتاب ویژه دوره نوجوانی را با شبی یک صفحه مطالعه می خواندید!

یک سؤال: تاکنون جز کتاب های درسی چند کتاب خوانده اید؟ آیا از امروز به بعد قول می دهید شبی یک صفحه کتاب غیر درسی بخوانید؟ باور کنید شبی چندین صفحه را هم به آسانی می توان خواند، ولی حساب کنید اگر حتی شبی پنج صفحه از یک کتاب را مطالعه کنید در سال چه اندازه مطالعه خواهید کرد؟ بله! شاید برای خیلی ها خواندن و تمام کردن یک کتاب کار سختی باشد، ولی مطالعه پنج صفحه از یک کتاب در یک روز کار سختی نیست، روزی پنج صفحه در ماه می شود ۱۵۰ صفحه و در سال ۱۸۰۰ صفحه. یک کتاب خوب و متناسب با سن و سال شما (هفده سال) به صورت میانگین بیشتر از ۱۵۰ صفحه نیست؛ بنابراین با تقسیم ۱۸۰۰ بر ۱۵۰ می توان دوازده کتاب خوب را در سال مطالعه کرد.

نمونه دیگری را بررسی کنیم: در حال حاضر نزدیک به سی میلیون خودروی بنزین سوز در کشور داریم. اگر هر راننده دست کم روزی دو لیتر در مصرف بنزین صرفه جویی کند، می شود:

$$30 / 000 / 000 \times 2 = 60 / 000 / 000$$

۶۰ میلیون لیتر و در ماه

$$60 / 000 / 000 \times 30 = 1 / 800 / 000 / 000$$

یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون لیتر

و در سال می شود

$$1 / 800 / 000 / 000 \times 12 = 21 / 600 / 000 / 000$$

۲۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون لیتر

آن وقت با حساب حداقل هر لیتر هفتصد تومان، درآمد حاصل از این صرفه جویی برابر است با

$$۲۱/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ \times ۷۰۰ = ۱۵/۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

۱۵ تریلیون و ۱۲۰ میلیارد تومان

بله فقط دو لیتر صرفه جویی در روز!

نمونه دیگری را بررسی می کنیم: فرض می کنیم نزدیک به پانزده میلیون دانش آموز در کشور داریم. اگر هر دانش آموز طوری از کتابهایش استفاده کند که بتواند حداقل سه تا از کتابهایش را در سال آینده به دانش آموزان یک پایه قبل از خودش ببخشد با حساب هر کتاب حداقل ۵۰۰ تومان می شود:

$$۱۵/۰۰۰/۰۰۰ \times ۵۰۰ = ۷۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

۷۵ میلیارد تومان فقط با سه کتاب!!

و نمونه بعدی:

نزدیک به هشتاد میلیون سیم کارت دائمی و اعتباری در دست مردم است، اگر هر دارنده تلفن همراه به صورت میانگین در هر ۲۴ ساعت پنج دقیقه کمتر مکالمه کند، که کار خیلی آسانی هم است، می شود:

$$۸۰/۰۰۰/۰۰۰ \times ۵ = ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

۴۰۰ میلیون دقیقه. با حساب هر دقیقه مکالمه ۲۰۰ تومان

$$۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ \times ۲۰۰ = ۸۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

هشتاد میلیارد تومان در روز و در ماه

$$۸۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ \times ۳۰ = ۲/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

دو تریلیون و ۴۰۰ میلیارد تومان در ماه و در یک سال

$$۲/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ \times ۱۲ =$$

$$۲۸/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

۲۸ تریلیون و ۸۰۰ میلیارد تومان

بله! فقط با پنج دقیقه صرفه جویی در یک روز در سال نزدیک به ۲۹ تریلیون تومان صرفه جویی می شود!

و نمونه آخر:

زمان دوش گرفتن هر ایرانی در حمام به صورت میانگین پانزده دقیقه است که به طور متوسط سی لیتر آب مصرف می شود؛ یعنی هر دقیقه دو لیتر.

در ده دقیقه یا کمتر از آن هم می توان به خوبی دوش گرفت. اگر هر ایرانی زمان دوش گرفتن را به ده دقیقه کاهش دهد، در هر مرتبه حمام رفتن ده لیتر در مصرف آب صرفه جویی می کند. هر ایرانی به صورت میانگین هفته ای سه مرتبه به حمام می رود یا در ماه دوازده مرتبه و در سال ۱۴۴ مرتبه؛ بنابراین ۷۵ میلیون ایرانی در یک سال؛

$$۷۵/۰۰۰/۰۰۰ \times ۱۴۴ = ۱۰/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

۱۰ میلیارد و ۸۰۰ میلیون مرتبه حمام می روند

پس اگر هر نفر در هر مرتبه دوش گرفتن ده لیتر صرفه جویی کند، ۷۵ میلیون نفر در یک سال با حساب زیر

$$۱۰/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ \times ۱۰ = ۱۰۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

۱۰۸ میلیارد لیتر، در نتیجه کاهش زمان دوش گرفتن از پانزده به ده دقیقه صرفه جویی می کنند. فکر کنم حالا دیگر خیلی خوب به قدرت این ضرب المثل پی برده باشیم. نمونه های فراوانی می توانیم برای اثبات این ضرب المثل بیاوریم، اما نکته و پیام این است که: «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.»

این و آن

مریم سادات ذکر یابی تصویرگر: معین صدقی

از سر خیابان می‌گذرند. می‌بینمشان که لابه‌لای جماعت می‌دوند یا شاید هم جمعیت می‌دود از پی آنها. تعدادشان زیاد است و هرچه باشد، از صد فرسخی هم می‌شود تشخیصشان داد با آن سر و وضعشان!

آخر یکی نیست به این دختر بگوید توی این هیر و ویر چه وقت عروسی گرفتن است؟ دارند مردم را توی کوچه پس کوچه‌های این شهر قتل عام می‌کنند، آن وقت خانم برای من دستور چراغانی در و دیوار خانه را می‌دهد. مردم چه می‌گویند!

نمی‌گویند ما داریم خون می‌دهیم و این فقط به فکر زندگی خودش است! دلم نمی‌آید دلش را بشکنم؛ و گرنه می‌زدم زیر همه چیز و پایم را می‌کردم توی یک کفش که الا و بلا عروسی بی‌عروسی. یک مراسم ساده و بی‌سر و صدا می‌گرفتیم و تمام! مادر صدار گفت نمی‌خواهد الان عروسی بگیرد، من باید آرزوی داماد شدن پسر را داشته باشم که می‌گویم نه! مادر خودش هم حرفی نداشت بنده خدا. اما ملیحه!

سر کوچه ما ایستاده‌اند. یک نفر که نمی‌توانم ببینمش، داد می‌زند: «این سربازها از پادگان فرار کردند، لباس می‌خوایم.»

یکی‌شان هولکی به آنکه داد زد، می‌گوید: «اعلامیه آقا رو که دیدم معطلش نکردم. یه ندا دادم به بچه‌ها، تا سرشون گرم بود از در پادگان زدیم بیرون. نمی‌دونم کدوم نامردی راپورت داد. تا اینجا دنبالمون اومدن.»

آن قدر شلوغ است که راه بسته شده. نمی‌توانم بگذرم. ایستاده‌ام و تماشا می‌کنم. در خانه همسایه‌ها باز می‌شود و یکی کفش به‌دست، دیگری پیراهن، یکی کلاه و شال گردن و از پنجره طبقه دوم خانه حسن آقا هم دو تا شلوار سرمه‌ای و مشکی باد می‌خورد و چند متر آن طرف‌تر روی سر جمعیت می‌افتد. آنها را دوره می‌کنند و وقتی کنار می‌روند، از لباس‌های نظامی و پوتین‌ها و سر کچلشان خبری نیست. راه باز می‌شود و می‌آیم که بروم.

مادر کلی سفارش کرد: «رفتی کت و شلوارت رو از اتوشویی بگیری، مواظب باش. بگو خوب اتو کنه.» دستم را بالا گرفته‌ام، سر جالباسی توی دست راستم است و کت و شلوار را مثل یک نوزاد تازه به دنیا آمده، نرم؛ توی دست چپم گذاشته‌ام. پاچه‌های شلوار از دستم آویزان است.



جماعت که پراکنده می‌شوند، صدای سوت بلند و گروپ گروپ چکمه‌های ارتشی‌ها که روی زمین می‌کوبند، از دور به گوش می‌رسد. صداها هر لحظه نزدیک‌تر می‌شود. دل آدم هری می‌ریزد پایین. آدم دل‌شوره می‌گیرد. یکی از آنها مستأصل مانده. انگار لباسی اندازه او پیدا نشده!

سراسیمه دور و برش را نگاه می‌کند و نمی‌داند توی کدام سوراخ موش فرار کند. من هم که ریگی به کفشم نیست، دلم می‌خواهد تا در خانه بدوم و از جلوی چشم اینها فرار کنم. از بس که نامردند و دیده‌ام چطور آدم می‌کشند و مهم نیست برایشان. همین چند روز پیش از بالای پشت‌بام دیدم رگبار گلوله را توی تن آن جوان بخت برگشته خالی کردند! اگر لخت هم بشود، باز با آن سر کچلش آن‌قدر انگشت‌نما هست که یک بچه هم می‌تواند بفهمد او سرباز فراری است. هنوز دارد دور خودش می‌چرخد و نمی‌داند کجا فرار کند. صدای انفجار و تیراندازی هر لحظه نزدیک‌تر و بلندتر می‌شود. نگاهمان به هم قفل می‌شود. کت و شلوارم را برانداز می‌کنم. الان وقت استخاره نیست. اصلاً وقت هیچ چیز نیست. جلو می‌روم و روزنامه روی کت و شلوار را با عجله می‌کشم و پاره می‌کنم. فریاد می‌کشم و مردم را دور خودم جمع می‌کنم. لباس‌هایش را درمی‌آورد و همان‌طور که مشغول پوشیدن کت و شلوارم است می‌گوید خیلی مردی! نمی‌دانم توی این شلوغی کی کلاه سرش بود یا کی کلاه آورد؟ اما وقتی لابه‌لای جمعیت دور شدنش را نگاه می‌کنم، با خودم می‌گویم: «این کت و شلوار نو کجا و آن کلاه رنگ و رو رفته کجا؟»

سلانه سلانه به طرف ته کوچه می‌روم. جواب این همه آدم را که الان منتظرم هستند، چه بدهم؟! مخصوصاً ملیحه! خودش را می‌کشد. می‌رود بست می‌نشیند توی اتاق و عروسی را عزا می‌کند. داماد بدون کت و شلوار هم نوبر است ها! اصلاً می‌گویم هنوز حاضر نشده یا می‌گویم اتوشویی لباسم را گم کرده. در خانه نیمه باز است و سر و صدا بلند. در را که باز می‌کنم، همه می‌دوند به طرفم. مادر اول از همه می‌رسد و در حالی که چشم‌هایش از تعجب گرد شده، می‌گوید: «اینجا چیه؟»

تازه یادم می‌آید لباس‌های آن سرباز و پوتینش توی دستم مانده است.



خودروی ساخت من

امیر افشار

حتماً تا به امروز جملاتی شبیه به آلودگی ناشی از سوخت خودرو یا نقص در طراحی بدنه از نظر ارگونومی یا انطباق با فلان ایزو یا استاندارد بین‌المللی شنیده‌اید. فکرش را بکنید که در اتومبیل شخصی‌تان نشسته‌اید و متوجه می‌شوید که کلیدها را در منزل جا گذاشته‌اید. آیا دلتان نمی‌خواست برای روشن کردن اتومبیل نیازی به کلید نبود و مثل اتومبیل جیمزباند از راه دور کنترل می‌شد؟ اگر امکان باز طراحی یک خودرو را داشتید، چه امکاناتی اضافه می‌کردید؟ آیا باز هم خودروی آقای باند را طراحی می‌کردید یا کمی بیشتر به نیازهایی که دارید فکر می‌کردید؟

سلامتی



با ساخت خودروهایی که به قولی با اندام‌های بدن انسان تطابق بیشتری دارند یا ارگونومی هستند، سلامتی سرنشینان بیشتر حفظ می‌شود. بیش از ۸۱ درصد از صدمات انسانی در سانحه اتومبیل به دلیل عدم این تطابق است.



اتصال به شبکه بی‌سیم (WiFi)

امروزه خودروها براساس موتورهایشان از یکدیگر تمیز داده می‌شوند، اما در آینده سی‌پی‌یوها و دستگاه‌های وای فای آنها شاخصی برای انتخابشان خواهند بود. هرچه قدرت پردازش اطلاعات و اتصال به شبکه‌های مختلف بیشتر، خواهان بیشتر!



زیرساخت‌ها

در جهان بیشتر از ۱۶۰ میلیارد دلار هزینه ساخت وسایل حمل و نقل می‌شود. اگر خودروهای با مصرف‌تری ساخته شوند که هم در تولید و هم استفاده مصرف‌جویی شود، می‌توان با مبلغ پانصد میلیارد دلار مصرف‌جویی اتوبان‌های بیشتری ساخت.



خودروهای بی‌راننده

با توجه به اینکه هر ساله هر فرد به‌طور متوسط ۲۵۰ ساعت را در رفت و آمد به محل کار سپری می‌کند، با این حساب اگر خودروهایی بدون راننده وجود می‌داشت که چندین نفر را به محل کارشان می‌رساند، هم کلی وقت مصرف‌جویی می‌شد و هم ترافیک کمتر!

خانه‌های بی‌خودرو

اگر کمی به اطراف خود نگاه کنید مخصوصاً در مراکز شهرها، بیشتر معابر شهری به وسیله خودروها اشغال شده است. اگر فرهنگ استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی که امکاناتی مثل اینترنت رایگان خواهند داشت بیشتر رواج پیدا کند فضای شهری بهتری خواهیم داشت.

امکان ذخیره و ضبط داده‌ها

با وجود سیستم‌های امنیتی جدید می‌توان با استفاده مناسب از این امکانات تمام وقایع در حال جریان اطراف و داخل خودرو را در جعبه‌ای محفوظ ذخیره کرد. با این قابلیت مثلاً در هنگام تصادف پلیس تصمیم بهتری برای مقصر شناختن فرد دارد!

انرژی

داشتن سیستم هوشمند رانندگی و پارک کردن این امکان را فراهم می‌کند که سوخت کمتری برای پیدا کردن جای پارک مصرف کنید. براساس آمار جهانی مقدار قابل توجهی از سوخت خودرو برای پیدا کردن جای پارک مصرف می‌شود.

ارتباط با گوشی تلفن‌های همراه

با تگای پی‌رشد استفاده از نرم افزارهای تلفن‌های همراه و دسترسی‌های جالب و به درخور آنها، دور از ذهن نیست که در آینده نه چندان دور بیشتر خودروها به این وسایل ارتباطی متصل شوند.

احساس بزرگ شدن

ارغوان غلامی | عکس: علیرضا عباسی

نیلوفر پورکمالی شانزده ساله است و اهل شیراز. او می‌خواهد وقتی بزرگ تر شد دندان پزشکی شود، اما به خاطر علاقه‌اش به هنر، فیلم هم می‌سازد. مستند فرآوری پسته به کارگردانی او امسال مهمان جشنواره رشد بود.

برداشت پسته با دست است؛ یعنی دانه پسته را با دست از درخت می‌چینند، آنها را به کارخانه می‌برند و با آب سرد سرد می‌شویند تا پوست و برگ‌های اضافی‌اش کنده شود. بعد خشک می‌کنند. بعد از این مراحل پوست پسته ضعیف‌تر می‌شود. آنجا پسته‌ها را جدا می‌کنند؛ خندان، نیمه‌خندان و بسته. بعد هم بسته‌بندی و عرضه به بازار.

■ برای این فیلم به کارخانه رفتی؟
بله، با پدرم به یک کارخانه رفتیم. بعد فیلم‌نامه را نوشتم، دکوپاژ کردم و دوباره رفتم و با کمک پدرم فیلم‌برداری کردیم. در واقع هم فیلم ساختیم و هم در کنار پدرم شاگردی کردم.

برای همین وقتی کارهایمان به جشنواره رفت خیلی کامل‌تر از آن چیزی بود که اول ساخته بودیم. هنوز هم برای کارهای بعدی، ایده‌ها و مسائل دیگر با هم مشورت می‌کنیم.

■ از همدیگر دلخور هم می‌شوید؟
خیلی (خنده). بارها پشت تلفن یا رو در رو همدیگر را نقد کردیم و دعوایمان شده، از دست هم دلخور شدیم، قهر کردیم اما بعد که نشستیم و فکر کردیم، فهمیدیم که نقد درستی بوده و حق را به همدیگر دادیم. بالاخره همیشه آخرش آشتی می‌کنیم.

■ از اینها که بگذریم واقعا فرآوری پسته چطور است؟

■ شماره پیش با صبا نیکان‌مهر گفت‌وگو کردم، با فضولی زیاد فهمیدم با هم دوستید، درست است؟
بله، آن هم دوست‌های جون جونی! (خنده)

■ چطور با هم دوست شدید؟
برای جشنواره پرسش مهر در نیشابور بودیم. چهار نفر بیشتر نبودیم و همگی هم در چادر، آنجا بود که با صبا آشنا شدم و حالا دو تا دوست صمیمی هستیم.

■ کارهای همدیگر را نقد هم می‌کنید؟

خیلی زیاد. برای کار امسال بارها فیلم‌های همدیگر را نقد کردیم، اشکالات‌شان را به همدیگر می‌گفتم و کاملش می‌کردیم.

سینموفتوگراف

فیلم‌هایی که حرف می‌زنند!

تا پیش از سال ۱۳۰۹، هر فیلمی که ساخته می‌شد یا به اکران در می‌آمد، صامت بود. اما افتتاح سینما «پالاس» در این سال، یک حادثه بزرگ برای مردم بود. «مرتضی قلی‌خان بختیاری» این سینما را با مخارج هنگفت بنا کرد. این اولین باری بود که مردم ایران سالنی مجلل و سینمایی بزرگ می‌دیدند. البته غیر از جذابیت‌های

ظاهری این سینما، این بار فیلم‌ها هم در آن حرف می‌زدند!

سینما پالاس، که مدیر آن «خان‌خانان» فوتبالیست معروف آن زمان بود، مردم را به واسطه کنجکاوای برای تماشای فیلم ناطق به خود جلب می‌کرد. اما با همه این جذابیت‌ها یک مشکل وجود داشت و آن هم اینکه هنوز صنعتی به نام دوبله وجود نداشت.

انتظار دارید چه اتفاقی بیفتد؟ مردم وارد یک سینمای مجلل می‌شدند،

می‌نشستند، فیلم بر روی پرده‌ای بزرگ اکران می‌شد و بازیگرها حرف می‌زدند، اما هیچ‌کس چیزی نمی‌فهمید!

سینما پالاس بعد از مدتی به همین دلیل تعطیل شد، اما دیگر خیلی دیر شده بود. سینمای ناطق در ایران تبدیل به یک واقعیت شده بود.

روشنفکرهای آن زمان و افرادی که زبان خارجی می‌دانستند داستان فیلم‌ها را می‌فهمیدند و مردم عادی هم به سینماهای درجه دوم برای

جنبش‌های سینمایی

رئالیسم شاعرانه

«رئالیسم شاعرانه» جنبشی در سینمای فرانسه بود که از اوایل دهه ۱۹۳۰ آغاز شد. ژان رنوار، مارسل کارنه، ژولین دووویو و ژان گرمیون فیلم‌سازانی بودند که در این دهه در قالب گروهی به فیلم‌سازی پرداختند و این جنبش را به وجود آوردند. فیلم‌های رئالیسم شاعرانه دارای لحنی توأم با حسرت و ناامیدی است. بیشتر این فیلم‌ها درباره حاشیه‌نشینانی هستند که در ناامیدی و یاس زندگی می‌کنند. قهرمانان فیلم که متعلق به همین قشر هستند در میان فیلم معمولاً با رویدادی دچار عشقی آرمانی شده، امید در کالبدشان دمیده می‌شود، اما پایان اغلب فیلم‌ها، معمولاً با یاس و ناامیدی همراه است. این قهرمانان دوباره ناامید می‌شوند و فیلم با توهمزدایی و مرگ قهرمان فیلم به پایان می‌رسد. این سینما به شدت تقدیرگراست و تقدیر را حاکم بر زندگی قهرمانان می‌داند. پا گرفتن این جنبش بی‌تأثیر از روی کار آمدن و سپس سقوط احزاب چپ فرانسه نبود. این حزب که در سال ۱۹۳۶ به قدرت رسید با شعارهایی امیدوارکننده وعده تغییرات زیادی را در اوضاع مردم داده بود. اما مدتی بعد با سقوط این حکومت، امیدها به یاس تبدیل شد.



شده بود، اما در مجموع خوب بود؛ برای مثال من وقتی با داورها راجع به کار خودم حرف زدم کاملاً مرا قانع کردند و اشکال‌های کارم را توضیح دادند، درباره فیلم‌های دیگر هم همین‌طور.

■ دوست داری یک روز داور جشنواره شوی؟ می‌دانی که داورهای این دوره جشنواره، سال پیش همین موقع مثل تو داشتند با مجله گفت‌وگو می‌کردند؟

خب من هم خیلی دوست دارم که داور شوم (خنده).

■ ویژگی یک داور خوب از نظر تو؟
منتقدبودن و در کنارش نقدپذیر خوبی هم بودن.

■ جشنواره رشد از نظر تو؟

پله ترقی برای من و امثال من، هم از لحاظ فکری هم شخصیتی و هم اجتماعی شدن.

■ منظورت از اجتماعی شدن چیست؟
خب، خیلی کم پیش می‌آید که دختر و پسرهایی هم‌سن من جایی بروند که با آنها مثل یک شخصیت اجتماعی رفتار شود، جز مدرسه البته.

در جشنواره جوری با ما رفتار می‌شود که احساس بزرگ شدن می‌کنیم. می‌فهمیم داریم بزرگ می‌شویم و این خیلی احساس خوبی است.

■ داورهای را چطور دیدی؟
راستش در یک جاهایی بی‌عدالتی

دیالوگ ماه



نانوا: هر کی اومد پشتت
بهش بگو نون نمی‌رسه
پسر خاله (به افرادی که
پشتش می‌اومدند): بیاید برید
جلوی من
پشت من نون بهتون نمی‌رسه

تماشای سریال (مثل پارس، ملی، سپه) می‌رفتند. این وضع تا زمان آغاز شدن دوبله فیلم ادامه داشت.

سینمای ناطق

از ۱۹۲۷ با فیلم «خواننده جاز»، صدا نیز به سینما اضافه شد و فیلم‌ها زبان باز کردند. موسیقی، صدای زمینه، دیالوگ‌ها و ساند افکت‌ها از آن به بعد در سینما به شکلی کم و بیش مشابه امروز به کار رفت.

فرشته‌های ساکن زمین

مسئولیت و تعهد نسبت به والدین

حسین امینی‌پویا

قربانی شدن ارتباطات انسانی

کسی که از نظر آموزه‌های دینی نسبت به همه انسان‌ها تعهد دارد آشکار است نسبت به افراد خانواده و نزدیکان تعهد و مسئولیتی دوچندان احساس می‌کند و به نیازهای مادی و معنوی آنها می‌اندیشد. متأسفانه مدرنیته که آرام‌آرام در زندگی ما وارد شده، تغییرات عمده‌ای در ارزش‌ها، باورها و فرهنگ ما پدید آورده است. یکی از آن تغییرات قربانی شدن ارتباطات انسانی به‌خصوص در محدوده زندگی خانوادگی است که به ارتباط‌های محدود و سرد و بعضاً نامهربانانه منجر شده است.

صله رحم، دایره‌ای گسترده

در نگاه اسلام خانواده شکل محدود آن؛ یعنی زن، مرد و فرزندان نیست. همان‌گونه که می‌دانید خانواده و حقوق و مسئولیت ما در قبال آن با تعبیر صله رحم بیان شده است که دایره‌ای بسیار گسترده دارد و بسیاری از وابستگان دور را هم شامل می‌شود چه رسد به پدر بزرگ‌ها، مادر بزرگ‌ها، عموها، عمه‌ها، خاله‌ها، دایی‌ها و فرزندان آنها که از نزدیکان به حساب می‌آیند. البته با توجه به گستره پیوند خویشاوندی از یک سو و ناتوانی انسان‌ها در رعایت آن با همه خویشاوندان از سوی دیگر در آیات و روایات اسلامی به رعایت ترتیب در پیوند خویشاوندی توجه شده است. قرآن می‌فرماید: «خدا را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نسازید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و... نیکی کنید.» (نساء: ۳۶)

مراتب صله رحم

بر پایه آموزه‌های دینی مراتب صله رحم به

شرح زیر است: پدر و مادر و از این دو مادر مقدم است، برادران و خواهران، دیگر اقوام نسبی مثل عموها و عمه‌ها و بستگان سببی و... (مفاتیح الحیة، ص ۲۱۷)

امام حسین (ع) می‌فرماید: «از رسول خدا شنیدم که فرمود (در رعایت مسئولیت‌ها) از خانواده خود آغاز کن، از مادرت، پدرت و خواهرت، برادرت و سپس نزدیکان و نزدیک‌ترها.» (الحیة، ج ۸، ص ۱۰۰)

در قرآن مجید نیز آمده است: «آدمی را به نیکی کردن به پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش او را به دشواری حمل کرده و با دشواری به زمین نهاد.» (احقاف: ۱۵)

«و پروردگارت حکم کرده جز او را نپرستی و به پدر و مادر خود نیکی کنی. اگر یکی از آنان یا هر دو در کنار تو به پیری رسیدند به آنان حتی اف (کمترین بی‌حرمتی لفظی) مگو و بر سر آنان فریاد مزن و محترمانه و مؤدبانه با آنان سخن بگو و از مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگار بر آنان رحمت آور همان‌گونه که آنان در کودکی مرا پروردند.» (اسراء: ۲۴، ۲۳)

امام صادق در شرح جمله «از مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر» فرمود: «یعنی خیره به آنها نگاه نکن، بلکه نگاهی از سر مهرورزی و دلسوزی به آنان داشته باش و صدای خود را از صدای آنها بلندتر نکن و دست خود را بالاتر از دست آنها مبر و هیچ‌گاه جلوتر از آنها راه مرو.» (الحیة، ج ۸، ص ۵۷۲)

حق مادر

امام رضا (ع) نیز در مورد حق مادر می‌فرماید: «بدان که حق مادر واجب‌ترین و لازم‌ترین حقوق است؛ زیرا مادر دشواری بارداری را به خویش هموار می‌سازد در صورتی که

هیچ‌کس چنین شکیب نمی‌آورد. مادر با چشم و گوش و با تمام وجود از فرزند پاسداری می‌کند آن هم با خرسندی و شادمانی. از کودک با همه مشکلاتی که کسی را یارای پذیرش آنها نیست نگهداری می‌کند. با خشنودی گرسنه می‌ماند تا فرزند سیر باشد. تشنگی می‌کشد تا او سیراب شود. او را در سایه قرار می‌دهد و خود سوز آفتاب را تحمل می‌کند (بنابراین) باید پاس‌داشت او و نیکی و نرمش با مادر به فراخور فداکاری‌های او باشد. اگرچه شما توان آن را ندارید که کمترین حقوق مادر را ادا کنید مگر به یاری خداوند.»

(مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰)
حق مادر به قدری گسترده و مهم است که پیامبر (ص) می‌فرماید: «هرگاه در نماز مستحبی بودی و پدرت تو را فراخواند نمازت را قطع مکن، ولی اگر مادرت تو را فراخواند نمازت را قطع و اجابتش کن.» (وسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۱)



حقوق پدر و مادر و مسئولیت‌ها

آثار بدرفتاری با پدر و مادر

بدرفتاری با پدر و مادر افزون بر کیفر اخروی زیان‌های دنیوی نیز دارد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «از جمله پیامدهای دنیوی آزار والدین اجابت نشدن دعاست که هوا (فضای معنوی) را تاریک می‌کند.» (همان، ص ۲۲۸) متأسفانه هستند جوانانی که با پرخاشگری لفظی دل مادران را شکسته‌اند و به تنگناهایی در زندگی گرفتار شده‌اند. آنان کامیابی‌هایی را از دست داده‌اند که نمی‌دانند علت آن چیست. در مقابل چه بسیار جوانانی که احترام حضور پدر و مادر را نگاه می‌دارند و حرمتشان را نمی‌شکنند و به توفیق‌های بزرگ مادی و معنوی دست می‌یابند.

نیکی کردن

«پروردگارت حکم کرده جز او نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.» (اسرا: ۲۶)

به احترام پدر برخاستن

امام علی(ع) فرموده است: «میهمانت را گرمی بدار هر چند حقیر باشد. برای پدر و آموزگارت از جای خود برخیز هر چند فرمان‌روا باشی.» (غرر حدیث، ۲۳۴۱)

فروتنی به هنگام خشم پدر

پیامبر فرمود: «از جمله حقوق پدر بر فرزندش آن است که هنگام خشم و ناراحتی در برابر او فروتن (و آرام) باشد.» (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۷۳) هنگامی که از پیامبر(ص) درباره حق پدر بر فرزند پرسیده شد فرمود: «او را به نام صدا نزن. جلوتر از او راه نرود. پیش از او ننشیند و برای او دشنام خواهی نکند (یعنی کاری نکند که دیگران به پدرش دشنام دهند).» (کافی، ج ۲، ص ۱۵۸)



فراخور این موهبت‌ها. (که از پدر داری).» (الحیة، ج ۸، ص ۱۰۲)

حق پدر

آگاهی از حق پدر و ارزش و منزلت وی گام نخست در احسان به اوست. رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «رضایت پروردگار در رضایت پدر و خشم پروردگار در خشم اوست.» (مفاتیح‌الحیة، ص ۲۲۴)

استمرار نیکی به پدر و مادر

مسئولیت ما با مرگ پدر و مادر تمام نمی‌شود. پس از مرگ نیز باید به یاد آنان بود و اگر بدهکاری داشتند آن را ادا کرد و برای آنها خیرات فرستاد. امام باقر(ع) فرموده است: «اگر کسی به والدین خود در زمان حیات برسد و با آن دو نیکوکار باشد، ولی پس از مرگ بدهکاری‌شان را نپردازد و برای آنان استغفار نکند خدا وی را عاق والدین به‌شمار می‌آورد.» (مفاتیح‌الحیة، ص ۲۲۶)

امام صادق(ع) نیز فرموده است: «شخصی نزد پیامبر(ص) آمد و گفت به چه کسی نیکی کنم؟ پیامبر(ص) فرمود به مادرت. (دیگر بار) گفت به چه کسی نیکی کنم؟ پیامبر(ص) فرمود به مادرت. باز گفت دیگر به چه کسی نیکی کنم؟ پیامبر(ص) فرمود به مادرت. آن مرد گفت دیگر به چه کسی نیکی کنم؟ پیامبر این بار فرمود: به پدرت.» علامه مجلسی(ره) می‌گوید: «به این حدیث استدلال شده است که سه چهارم نیکی‌ها از آن مادر است.» (الحیة، ج ۸، ص ۵۸۰)

پدر، ریشه نعمت‌ها

امام سجّاد(ع) می‌فرماید: «حق پدرت این است که بدانی او اصل (و ریشه) تربیت و تو فرع (و شاخه) او هستی و اگر او نبود تو نیز نبود. پس هرگاه در خود چیزی دیدی که برایت جالب بود بدان که پدرت اصل این موهبت‌ها برای توست. پس خدای را سپاس‌گزار و از پدرت سپاسگزاری کن به

شوت روی ماسه‌ها

آشنایی با رشته ورزشی فوتبال ساحلی

مهدی زارعی

فوتبال ساحلی یکی از مسابقات خانواده فوتبال است. این رشته که به «بیچ فوتی» (Beach Footie) و «بی سال» (Beasal) نیز معروف است، چندین دهه در میان کودکان فقیر کشورهای آمریکای جنوبی، مثل برزیل برگزار می‌شد و همگان از آن استقبال می‌کردند. در اواخر قرن بیستم، علاقه به تماشای مسابقات ورزشی در خارج از استادیوم‌ها به‌ویژه در سواحل مناطق مختلف دنیا افزایش یافت و به این ترتیب، فوتبال ساحلی به‌طور رسمی، سال ۱۹۹۲ شکل گرفت. اولین دوره مسابقات فوتبال ساحلی قهرمانی جهان نیز سال ۱۹۹۵، در سواحل «کوپا کابانا» شهر «ریودونانیرو» برزیل برگزار شد و از آن به بعد، روزبه‌روز بر محبوبیت این ورزش در سراسر جهان اضافه شد.

زمین مشخص می‌شود.

دروازه‌ها

فاصله بین دو تیر عمودی دروازه ۵/۵۰ متر و ارتفاع دروازه از لبه پایینی تیرک تا سطح ماسه ۲/۲۰ متر است. قطر تیرهای دروازه حداقل ده و حداکثر بیست سانتی‌متر است که به رنگی متفاوت با رنگ ماسه در زمین قرار داده می‌شوند. دروازه‌ها می‌توانند قابل حمل باشند به شرط اینکه در طول بازی محکم به زمین بسته شوند.

توپ

از چرم یا دیگر مواد مقاوم در برابر آب و سایش ساخته می‌شود که دارای حداقل ۶۸، حداکثر ۷۰ سانتی‌متر محیط و حداقل ۴۰۰، حداکثر ۴۴۰ گرم وزن

دو نیمه تقسیم می‌شود. به‌جای خط میانه میدان دو پرچم قرمز در بیرون زمین قرار داده می‌شود. مرکز زمین، محل دقیق ضربه شروع بازی و ضربات آزاد مستقیم است.

تمامی خطوط کناره زمین که مشخص‌کننده محدوده اوت هستند، هشت تا ده سانتی‌متر عرض دارند و برای مشخص کردن خطوط

اوت از نوار قرمز رنگ استفاده می‌کنند. محوطه پنالتی نیز در فاصله نه متری خط دروازه است و با پرچم‌های زرد کاشته شده در بیرون



زمین

مسطحی به طول حداقل ۳۵ و حداکثر ۳۷ متر و عرض حداقل ۲۶ و حداکثر ۲۸ متر ابعاد زمین فوتبال ساحلی است. داخل زمین باید پر از ماسه باشد و پیش از مسابقه باید سنگ‌ریزه، صدف یا هر چیزی را که سبب جراحت بازیکنان می‌شود، از زمین خارج کرد.

عمق ماسه حداقل چهار سانتی‌متر است و برای نرم‌بودن هرچه بیشتر، باید ماسه را الک کرد. زمین بازی با یک خط میانی فرضی به



۱۹۹۵

تیم‌های برزیل، آمریکا، انگلستان و ایتالیا صاحب عناوین اول تا چهارم مسابقات قهرمانی جهان شدند.

۲۰۰۶

در نخستین دوره مسابقات قهرمانی آسیا، تیم بحرین قهرمان شد.

۲۰۱۱

مسابقات قهرمانی جهان به «جام جهانی فوتبال ساحلی» تغییر نام داد.

۲۰۱۱

اولین دوره مسابقات بین قاره ای در شهر دویبی (امارات) برگزار شد. در این رقابت‌ها تیم روسیه با پیروزی برابر برزیل، قهرمان شد.

فوتبال ساحلی در ایران

فوتبال ساحلی در ایران، سابقه‌ای نه‌ساله دارد. در زمان حضور «محمد دادکان» در فدراسیون، این رشته با همت «صادق درودگر» و «کریم مقدم» شکل گرفت و حضور چند ملی‌پوش سابق فوتبال کشورمان از جمله «فرشاد فلاحت‌زاده» و «بهزاد داداش‌زاده» به رونق این رشته کمک کرد. کسب مقام سوم آسیا سبب شد تا ایران برای اولین بار، سال ۲۰۰۶، در جام جهانی این رشته حضور یابد. ایران در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ نیز در این رقابت‌ها حضور یافت و سرانجام پس از قهرمانی آسیا در ۲۰۱۳، برای پنجمین بار راهی جام جهانی شد و برای نخستین بار به جمع هشت تیم برتر دنیا صعود کرد. گفتنی است قهرمانی کشورمان در جام بین‌قاره‌ای امارات (۲۰۱۳) اولین قهرمانی یک رشته تیمی کشورمان در رقابتی جهانی است.

اخطار و اخراج بازیکنان

هرگاه بازیکنی آغاز مجدد بازی را به تأخیر اندازد، یا در شروع مجدد بازی فاصله لازم را رعایت نکند، از داور کارت زرد می‌گیرد. همچنین اگر بازیکن بدون اجازه داوران وارد زمین شود، مستحق گرفتن اخطار است. اما وقتی بازیکن خطای شدید انجام دهد یا به عمد به‌سوی حریف ماسه بپاشد یا فرصت آشکار گل حریف را با زدن عمدی دست از بین ببرد، کارت قرمز دریافت خواهد کرد. در این شرایط بازیکن اخراجی باید زمین بازی و محوطه فنی را ترک کند و حق ورود مجدد به بازی را نخواهد داشت. تیمی که بازیکنش اخراج شود، پس از گذشت دو دقیقه می‌تواند نفرات خود را تکمیل نماید و با اجازه داور سوم یک بازیکن جانشین وارد بازی کند.



اختلاف نظر داشته باشند تصمیم نهایی با داور است و اگر داور اول احساس کند که داور دوم در کار او دخالت بی‌مورد می‌کند، می‌تواند او را از قضاوت کنار گذاشته، داور سوم را جایگزین وی نماید.

زمان

هر مسابقه شامل سه وقت دوازده دقیقه‌ای فعال است؛ یعنی زمان بازی بعد از به ثمر رسیدن گل، هنگام اعلام ضربه آزاد مستقیم یا پنالتی، جریمه بازیکنان و هنگام مداوای بازیکن آسیب‌دیده در زمین مسابقه متوقف می‌شود. همچنین پس از هر زمان مسابقه، بازیکنان می‌توانند سه دقیقه استراحت کنند. در صورت تساوی دو تیم در وقت قانونی مسابقه، بازی در یک وقت سه دقیقه‌ای ادامه می‌یابد و اگر در این زمان نیز برنده بازی مشخص نشد، برنده با ضربات پنالتی مشخص می‌شود.

در ضربات پنالتی هر تیم یک ضربه می‌زند و در صورتی که باز هم نتیجه مساوی شود، یک ضربه دیگر به هر تیم داده می‌شود و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که یکی از تیم‌ها از حریف پیش افتد.

است. همچنین فشار آن برابر با ۰/۴-۰/۶ واحد فشار هوا در سطح دریاست.

بازیکنان

هر تیم پنج بازیکن اصلی و پنج بازیکن ذخیره دارد. در شروع مسابقه هر تیم باید حداقل چهار بازیکن داشته باشد و در صورتی که در نتیجه اخراج یا آسیب‌دیدگی، بازیکنان یک تیم کمتر از سه نفر شود، بازی پایان می‌یابد و آن تیم بازنده اعلام می‌شود.

تعداد تعویض‌های این رشته نیز مثل بسکتبال نامحدود است. همچنین در طول یک مسابقه، هر یک از بازیکنان می‌توانند جای خود را با دروازه‌بان تعویض نمایند، به شرط آنکه بازیکن جانشین دروازه‌بان، پیراهن خود را با پیراهن دروازه‌بان عوض کند.

داوران

برای قضاوت هر مسابقه یک سرداور و یک داور دوم تعیین می‌شود. همچنین یک وقتنگهدار و یک داور سوم نیز در خارج از زمین حضور دارند که باید مجهز به کرنومتر باشند. اگر در طول مسابقه داور و داور دوم

جا + لباس

فرزانه نوراللهی

تصویرگر: هادی خسروی

نگار و نیما، همان خواهر و برادر مهربان و صمیمی می خواهند همراه پدر و مادر به کوه بروند. نگار فکر می کند که پوششش خاصی باید داشته باشد، اما نیما معتقد است هر پوششی که دوست داشته باشد می تواند در کوه استفاده کند. کمی با هم گفت و گو کردند. نگار در تحقیقاتش به این نتیجه رسید که هر مکانی پوشش خاص خود را می طلبد و لباس مناسبی برای آن مکان طراحی شده است. او به این باور رسیده است

که پوشش مناسب و منتخب بخشی از فرهنگ خانوادگی را به دیگران معرفی می کند. مثلاً در کوه باید پوششی داشت که هنگام بالا رفتن و پایین آمدن از ارتفاعات خطری برای او نداشته باشد، در عین حال با موازین دینی اش سازگاری داشته باشد. طرح این موضوع برای نیما خیلی جالب بود. نتیجه گفت و گویشان، انتخاب لباس های مناسب برای مکان های مختلف از لحاظ نوع، رنگ و مدل بود.



مهمانی



داخل ایران



خارج ایران





منزل



مدرسه



ورزش



پیشنهاد نگار و نیما برای پوشش در شرایط مختلف پس از گفت‌وگو و بررسی این‌گونه است:

نظر تو چیست؟ آیا لباس‌ها مانند موجودات زنده هستند و با ما و خودشان حرف می‌زنند؟
آیا هر پوششی بیان‌گر اخلاق و فرهنگ پوشنده آن نیست؟
اصلاً لباس‌ها برای منظور خاصی طراحی شده‌اند؟
تو دوست داری در مکان‌های مختلف چه گونه معرفی شوی؟

مکانیک‌های فضایی

سیدامیر سادات موسوی

آسمان در این ماه

زمان‌هایی که نوشته شده‌اند، تقریباً برای تمام مناطق ایران درست هستند!

مقابله مریخ

مریخ روز سه‌شنبه، نوزده فروردین ۱۳۹۳، به نزدیک‌ترین فاصله از زمین می‌رسد. طوری که زمین بین مریخ و خورشید قرار می‌گیرد. منجمان به این رویداد «مقابله» می‌گویند. البته تقریباً در تمام روزهای فروردین، مریخ وضعیت بسیار خوبی برای مشاهده دارد. اگر دوست داری در این شب‌ها، سیاره سرخ را در آسمان ببینی، به نکته‌های زیر توجه کن:



وضعیت ماه و مشتری در صورت فلکی جوزا، در شام‌گاه ۱۷ فروردین

د) در روز ۲۵ فروردین، ماه به حالت بدر نزدیک می‌شود و مکانش در آسمان به نزدیکی مریخ می‌رسد. در این شب می‌توانی عکس یادگاری ماه و مریخ را کنار هم در آسمان ببینی.



الف) اگر اوایل شب (کمی بعد از غروب آفتاب) به افق شرقی آسمان (نقطه مقابل جایی که خورشید غروب می‌کند) نگاه کنی، پر نورترین جسم آسمانی سیاره مریخ است. مریخ همراه با سایر ستاره‌ها حرکت می‌کند و حوالی نیمه‌شب به سمت جنوب می‌رسد؛ برای مثال اگر در حوالی ساعت ده شب بخواهی مریخ را ببینی، باید به جنوب شرقی آسمان نگاه کنی. در این هنگام ارتفاع مریخ از افق در حدود سی درجه خواهد بود.

ب) برای اینکه مکان مریخ و زحل را در کنار صورت‌های فلکی اطرافش پیدا کنی، از نقشه زیر استفاده کن. به این ترتیب می‌توانی با برخی از صورت‌های فلکی هم آشنا شوی. مریخ و زحل در ماه فروردین

معرفی نرم‌افزار نجومی

گراننش، اصلی‌ترین نیرویی است که تصویر بزرگ جهان ما را می‌سازد. حرکت سیاره‌های منظومه شمسی و ستاره‌های کهکشان‌ها همه به‌دلیل نیروی گرانشی است که بین این اجسام وجود دارد. سَنَدَباکس (Universe Sandbox)،





شرح عکس

گاهی اوقات بعضی از فضانوردان، باید از فضاپیما خارج شوند و تعمیرات یا وظایف خاصی را بیرون از آن انجام دهند. در این تصویر، فضانوردان در حال تعمیر ایستگاه بین‌المللی فضایی هستند.

سایت آن دانلود کنید:
www.universesandbox.com



برخورد دو کهکشان را با هم مشاهده کنید. سندباکس به شما اجازه می‌دهد جرم، سرعت و مشخصات سیاره‌ها و ستاره‌ها را تغییر دهید و حرکت آنها را در شرایط جدید مشاهده کنید. به دلیل ظاهر گرافیکی زیبای این نرم‌افزار، استفاده از آن حتماً برایتان لذت‌بخش خواهد بود. این نرم‌افزار را می‌توانید از

یک نرم‌افزار شبیه‌ساز است که این حرکت‌ها را به شکل زیبایی نمایش می‌دهد. با استفاده از این نرم‌افزار می‌توانید حرکت سیاره‌ها به دور خورشید، مدار ماه به دور زمین، حرکت کهکشان‌های نزدیک به کهکشان راه شیری، مسیر اقمار سیارات مختلف و حتی نحوه

فامدک‌های جوان

شاعر

در نبودنت
اسیر تنگنای قافیه‌هاست
نو می‌سراید
و

از نو قصه‌اش به پایان می‌رسد ...
آلودگی هوا بهانه است
زمین از نبودن تو این قدر کثیف است
مهدی جان
حرفی نو بزن باران
تمام شیشه‌ها خیس‌اند از اشکان خود
تو هم باریدی و شیشه
فهمیده است

که این غم‌ها جهانی‌اند
نیا باران ...

دوست خوبم زهرا امیربیک

شعرهای خوبت را خواندم. به‌خوبی
توانسته بودی از پس سرودن شعر
سپید بر بیایی. در شعرهایت تصویرهای
شاعرانه خوبی به‌چشم می‌خورد که
نشان می‌دهد مطالعه خوبی در زمینه
شعر داری. همین راه را ادامه بده و
بیشتر شعر بسرا. آثار خوب شاعران
دیگر را هم بیشتر مطالعه کن. برایت
آرزوی موفقیت بیشتر می‌کنم.

گمشده

آن شب دلم می‌خواست پرواز کنم
پرواز کنم به‌سوی تو
تا چشم می‌دید هوا مه‌آلود بود
اما تو را نزدیک می‌دیدم
بال‌هایم را گشودم تا به‌سوی پرواز کنم
اما حیف که بال‌هایم شکسته بود
خطی از تو بر روی آنها باقی مانده بود
خطی که نشان مهر تو بود
همان‌گونه که در رویاهایم می‌چرخیدم
ناگهان احساس کردم دستانم را لمس
می‌کنی
آری من گمشده‌ای بودم در رویاهای
خویش
که تو مرا یافتی

هیچ‌گاه تنهایم مگذار
که بی تو هیچم و خواهم مرد

دوست خوبم شقایق شامخیه

شعر خوبت را خواندم. در شجرت عاطفه
و احساسات موج می‌زند. فراموش نکن
شعر حاصل درهم آمیختگی اندیشه،
احساسات و تخیل است. در شعر تو
اندیشه و تخیل کمتر به چشم می‌خورد.
عاطفه یک رکن شعر است و بدون
ارکان دیگر شعر به‌تنهایی نمی‌تواند یک
شعر خوب بسازد. سعی کن ارکان دیگر
شعر را هم در آثارت بیاوری. منتظر آثار
خوبت هستم.

sms

پیامک‌های کال

شماره‌ای که اولش ۰۹۱۵ است نوشته:

«مطلبتان در مورد کبوترهای ایران جالب بود. ما هم
در شهرمان یاکریم داریم. داستان‌های زیادی هم درباره آنها
وجود دارد که یکی از آنها را برای شما می‌فرستم ...»
دوست خوبم آفرین به تو. این جزو فرهنگ عامه یا
داستان‌های فولکلوریک منطقه شماست و چه خوب
است که هر کس داستان‌های عامیانه و افسانه‌های
منطقه خودش را برای ما بفرستد.

دوستی با پیش‌شماره ۰۹۳۳ نوشته «جوراب من هم
معطر است جوری که وقتی کفش‌هایم را درمی‌آورم از
عطر جورابم، دیگران روحشان پرواز می‌کند و نزدیک است
که بی‌روح شوند.»
دوست عزیز لطف کن جوراب معطرت را در کفش‌هایت
نگه‌دار که فکر می‌کنم وقتی با آنها روی قالی راه بروی،
گل‌های قالی هم پژمرده می‌شوند.



رشد

نامه‌های برقی

دوست قدیمی مجله، خانم فاطمه استوار از میمند فارس
برایمان نامه برقی زده‌اند و نوشته‌اند: «با سلام و خدا قوت خدمت همه کسانی که برای تهیه مجلات رشد زحمت می‌کنند. بسیار سپاس‌گزارم از اینکه شعرم در مجله چاپ شد. شعر دیگری هم گفتم که خوشحال می‌شوم در مجله چاپ کنید و اشکال‌های آن را بگیرید.»

ما هم می‌گوییم چشم. آن را تا جایی که امکان دارد چاپ می‌کنیم و اشکالاتش را هم می‌گوییم. البته نوشته ایشان تا نصفه امکان چاپ داشت. نوشته خوبی است اما شعر نیست. هر چیزی که موزون شد که شعر نمی‌شود. شعر باید تخیل داشته باشد، عاطفه و اندیشه داشته باشد. این یک روایت موزون است. در نوع خودش هم خوب است. دست شما درد نکند و این هم نوشته شما:

تو چرا می‌پوشی؟
چادرم را می‌گفت
با کمی مکث و درنگ
پاسخش را این چنین دادم من
من خدایی دارم
که مرا از گل پاکی بسرشت
و در این جسم دمید روح زیبایش را
او به من گفت که تو چون گلی، پاک و لطیف
و تویی مروارید که مکانت صدف است
و تو زیبا هستی
و حجاب و پوشش تو ضامن زیبایی ست ...

دوست دیگری به ما نامه برقی زده و پرسیده است چطور می‌تواند با مجله همکاری کند. ما هم می‌گوییم دوست من خیلی ساده است: شعر، داستان، خاطره، روزنوشت، گزارش از مدرسه و کلاس و هر مطلب خواندنی دیگری که داری برای ما بفرست. حتی عکس، نقاشی و کاریکاتوری هم که دیدنی باشد قبول می‌کنیم. در کل مطالب خواندنی شما را با روی باز پذیرا هستیم. پس بجنبید و با ما همکاری کنید.

پیغام درگیر:

حمید ترابی از همدان زنگ زده و گفته عکس پشت جلد شماره آذر مرا یاد خانه مادر بزرگم انداخت. این روزها سفره شب چله که این جوری نیست. شما از زمان خیلی عقید.

ما هم می‌گوییم: خونه مادر بزرگ هزار تا قصه داره/ خونه مادر بزرگه شادی و غصه داره. تو برو از زمان جلو بزنی و خوش باش. ما همین پس و پشت زمان جایمان خوب است.

الهام میراسماعیلی از شیراز زنگ زده و گفته است: چرا کاریکاتور صفحه دو جلدتان این قدر شلوغ و درهم و برهم شده. آدم ضعف اعصاب می‌گیرد. ما هم سکوت می‌کنیم تا ایشان ضعف اعصابشان برطرف شود.

کیمیا بیابانکی / تهران

آن دست‌ها

با دیدن آب تشنگی‌اش چند برابر شد. از اسب پایین پرید. دستی بر یالش کشید. اسب هم مانند خودش تشنه به سمت نهر رفت. دستی در آب فرو برد. هر چه سعی می‌کرد آب را به دهانش نزدیک‌تر کند دست‌هایش عقب‌تر می‌رفتند. به دستانش گفت: «تلرز، عقب نرو. نمی‌نوشم.» آن‌گاه آب را در نهر ریخت. چهره‌اش را در آب دید. نهر گفت: «ابوالفضل اگر نمی‌توانم سیرایت کنم پس حداقل بگذار آینه‌ای باشم تا خودت را عمیق‌تر ببینی.» ابوالفضل گفت: «میدان جنگ جای عمیق‌تر شناختن است، نه عمیق‌تر دیدن. تازه با زبان تشنه چگونه خود را عمیق‌تر ببینم؟» نهر گفت: «جرعه‌ای آب بنوش.» ابوالفضل گفت: «نمی‌توانم. امروز دستانم مال من نیست انگار می‌خواهند پرواز کنند.» نهر گفت: «من هم همین را گفتم. دستانت را عمیق‌تر ببین. هر کسی دستانی چون تو ندارد. دستانی که آب ببرند، دستانی که نوازش کنند، دستانی که پرواز کنند.» ابوالفضل مشک را در آب فرو برد و به نهر گفت: «ای کاش بزرگ‌تر بودی، مانند دریا وسیع، آن قدر وسیع که بچه‌ها برای خوردن آب به من التماس نکنند.» نهر گفت: «وسیع‌تر از من دریاست، ولی وسیع‌تر از تو کسی نیست. دریا هم روزی خشک می‌شود ولی تو ...»

مشک که پر از آب شد ابوالفضل بلند شد و برای آخرین بار به دستانش نگاه کرد، آری امروز دستانش مال او نبودند!

دوست خوبم کیمیا بیابانکی

قطعه ادبی بسیار زیبایی درباره عاشورا و حضرت ابوالفضل (ع) نوشته‌ای. تصاویر زیبایی خلق کرده‌ای و گفت‌وگوی آب و حضرت را به خوبی نوشته‌ای. دیالوگ یا همان گفت‌وگو جزو ارکان اصلی نوعی از داستان به حساب می‌آیند. نوشتن دیالوگ یا گفت‌وگوی خوب به مهارت نیاز دارد. در داستان واقع‌گرایانه اگر انسانی با یک شیء یا حیوان گفت‌وگو کند، این گفت‌وگو در ذهن انسان اتفاق می‌افتد و به آن تک‌گویی می‌گویند، اما در داستان‌های اسطوره‌ای و حماسی این گفت‌وگوها می‌تواند بین انسان و موجودات بی‌جان اتفاق بیفتد. منتظر کارهای دیگر هستم. برایت آرزوی موفقیت می‌کنم.

نانو در طبیعت

فاطمه فتح‌علی

از جنبه‌های جالب علم نانو، الهام گرفتن از طبیعت برای تولید نانو مواد است. انسان همواره با نگاه به پیرامون خود روش‌هایی را فرا گرفته است که برای زندگی بهتر لازم است. می‌دانید ایده ساخت هواپیما از کجا آمد؟ برادران رایت با مشاهده کوچ پرندگان تصمیم به ساخت ماشین پرواز گرفتند. در واقع کوچ پرندگان الهام‌بخش آنها برای ساخت هواپیما بود. همه شما کم‌وبیش با قانون جاذبه آشنا هستید. می‌گویند نیوتن با افتادن سیب پی به قوانین جاذبه برد. اینها نمونه‌هایی از تأثیر و الهام‌بخشی طبیعت به انسان‌های کنجکاو و جست‌وجوگر است. در تولید نانو مواد نیز دانشمندان ایده‌های بزرگی را از طبیعت الهام گرفته‌اند.

سوسک کوچک آفریقایی در طراحی چادرهای مسافرتی

نوعی سوسک کوچک در آفریقای جنوبی زندگی می‌کند. قسمت زیادی از پشت این حشره، یک سطح ناهموار آب‌گریز است که تعداد فراوانی برآمدگی نانومتری دارد. در زمان کم‌آبی و خشکی بیابان این حشره خود را در معرض وزش بادهای مرطوب قرار می‌دهد و به شکلی می‌ایستد که سرش به سمت پایین و پشتش به بالا باشد. در این حالت برآمدگی نانومتری پشت حشره، ذرات کوچک آب موجود در هوا را جذب می‌کند. با گذشت زمان این ذرات کوچک به هم می‌پیوندند و قطره آب کوچکی را تشکیل می‌دهند. این قطره به سرعت روی نواحی آب‌گریز پشت سوسک می‌غلند و به دهان سوسک می‌چکد. دانشمندان، با بررسی این پدیده طبیعی در حال طراحی چادرهایی هستند که بتوانند با آنها در نواحی خشک، مه صبح‌گاهی و آب موجود در هوا را جمع‌آوری کنند.

برگ نیلوفر آبی در تولید شیشه‌ها و پارچه‌های خود تمیز شونده

همانطور که در شماره‌های قبل گفته بودیم امروزه با استفاده از فناوری نانو شیشه‌ها و پارچه‌هایی ساخته شده‌اند که خاصیت خود تمیز شوندگی دارند. آب در سطح این مواد به‌صورت قطره‌های کروی درمی‌آید و ذرات آلودگی را با خود حمل می‌کند. پژوهشگران برای تولید این محصول، از سطح برگ نیلوفر آبی ایده گرفته‌اند. آنها با استفاده از میکروسکوپ‌های الکترونی مشاهده کردند که سطح این برگ با لایه‌ای از برآمدگی‌های میکرومتری و زائده‌های نانومتری پوشیده شده است. با وجود این برآمدگی‌ها سطح تماس آب و برگ کاهش می‌یابد. در نتیجه قطره نمی‌تواند به راحتی روی سطح پخش شود. از این رو هنگامی که قطره آب روی سطح برگ می‌غلند، آلودگی را همراه خود حمل و از سطح دور می‌کند. به این رفتار خود تمیز شوندگی برگ نیلوفر آبی که ناشی از ساختار میکرومتری نانومتری آن است، اثر لوتوس می‌گویند.

دست و پاهای مارمولک در

تولید چسب‌های قوی

مارمولک‌ها می‌توانند از هر دیواری بالا بروند حتی وارونه روی سقف راه می‌روند و با یک پا از سقف آویزان می‌شوند؛ چون دست و پاهای مارمولک‌ها با هزاران موی نازک نانومتری پوشیده شده است. فاصله اندک این موها باعث می‌شود نیروی جاذبه قوی میان آنها برقرار باشد. طوری که مارمولک به آسانی روی سقف حرکت می‌کند. دانشمندان با بهره‌گیری از این مدل چسب‌هایی ساخته‌اند که می‌تواند چندین برابر چسب‌های فعلی، وزن تحمل کند.

تارهای عنکبوت و جلیقه‌های

ضد گلوله

تا به حال یک تار عنکبوت را با دستتان کشیده‌اید؟ عنکبوت تارهایی می‌تند که می‌توان بدون اینکه پاره شوند، آنها را به میزان زیادی کشید. پژوهشگران در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که این تارها دارای تعداد زیادی بلور با ابعاد نانومتری هستند و استحکام فوق‌العاده تار به خاطر وجود این بلورهای نانومتری است. دانشمندان به دنبال این هستند که با ایده‌گرفتن از ساختار تارهای عنکبوت، الیافی برای ساخت جلیقه‌های ضد گلوله تولید کنند. آنها موفق شدند به روشی دست یابند تا رشته‌های محکم و کشسان را تولید کنند. این رشته‌ها در زمینه تولید ابزار پزشکی و صنایع بسته‌بندی کاربرد فراوانی دارند. بهترین معلم برای انسان‌های کاوشگر و حقیقت‌جو خداست. با دید عمیق و الهام گرفتن از طبیعت و مخلوقات او می‌توان ایده‌های بزرگی را به محصول تبدیل کرد.



شهادت حضرت زهرا(س)

۱۴ فروردین

دهه فاطمیه

درباره تاریخ شهادت حضرت زهرا(س) روایت‌های مختلفی وجود دارد. میان علمای شیعه، دو تاریخ مشهور و مقبول است، یکی ۷۵ روز و دیگری ۹۵ روز بعد از رحلت پیامبر(ص). با توجه به رحلت پیامبر اسلام(ص) در بیست‌وهشتم صفر، بنا به روایت ۷۵ روز، سیزدهم تا پانزدهم جمادی الاول، شهادت حضرت زهرا(س) است و این ایام را فاطمیه اول می‌خوانند اما بنا به روایت ۹۵ روز، شهادت حضرت فاطمه(س) در سوم تا پنجم جمادی‌الثانی است و این ایام را فاطمیه دوم می‌گویند. بنابراین؛ ایام فاطمیه جمعا شش روز است، سه روز در ماه جمادی‌الاول و سه روز در ماه جمادی‌الثانی. فاطمیه اول از ۱۳ تا ۱۵ جمادی‌الاول است و فاطمیه دوم از سوم تا پنجم جمادی‌الثانی است.

آغاز سال نو

۱ فروردین

ای خدای دل‌ها و دیده‌ها

بهار فرصت شروع دوباره است. هر بهار فرصتی است تا دور تازه‌ای از مسیر زندگی را شروع کنیم. گویی همه ثانیه‌شمارها صفر می‌شوند و می‌توانیم دوباره، بدون برگرداندن زمان به عقب شروع کنیم. یک سال خودمان را با هر آنچه داشتیم و نداشتیم گوشه‌ای بایگانی می‌کنیم. بعد قرآن و آینه را بر سر سفره هفت‌سین می‌گذاریم و با دعای سال تحویل بهار را نفس می‌کشیم و با حسی از نو شدن، چشم‌ها را روی سفره هفت‌سین می‌گردانیم و دعایی می‌خوانیم: خدایا، ای خدای دل‌ها و دیده‌ها ای گرداننده سال‌ها و حال‌ها حال و روز ما را، به خود رها نکن و در آغاز سال، حالی خوب، خوب‌ترین حال را به ما عیدی بده.

۱۲ فروردین

اولین رأی

روز جمهوری اسلامی ایران

ابتدای هر سال فرصتی پیش می‌آید تا روزشمار سال جدید را ورق بزنیم و روزها را نگاه کنیم؛ از شروع هر هفته تا پایان هفته، از اول هر ماه تا آخر هر ماه، همه مثل هم‌اند. با کمی دقت روزهای خاص را می‌بینیم. روزهایی که در تقویم ما کم نیستند. روزهایی که هر کدام برای خود تاریخی دارند و تولدی. روزهایی که فرصتی پیش روی ما گذاشته‌اند تا کمی بیندیشیم. روزهایی که پدران ما به آن رنگ داده‌اند با اراده، مشارکت، مجاهدت، فداکاری، ایثار و شهادت. هر یک از این روزها رنگی دارد که آن روز را از دیگر روزهای تقویم زیباتر کرده است. روزهایی که با هیچ پاک‌کنی پاک نمی‌شوند. در این میان روزهایی هستند که تولد معناداری دارند و یادآور رویدادی سرنوشت‌ساز هستند که می‌توان تعبیر نقطه عطف را درباره آنها به کار برد. دوازدهم فروردین ۱۳۵۸، روزی است که برای اولین بار در تاریخ ایران مردم، به پای صندوق‌های رأی رفتند و به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران رأی دادند.



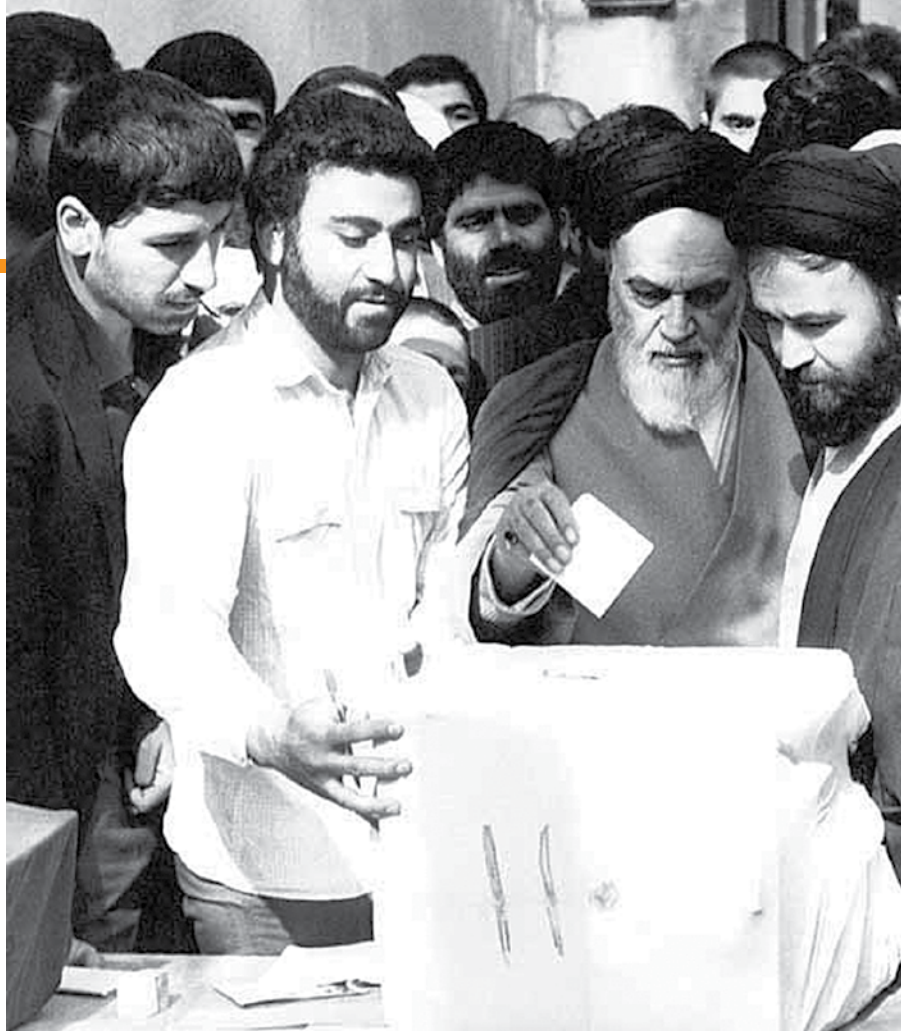
هفت شهر عشق

در مثنوی منطق الطیر، گروهی از مرغان برای جستن و یافتن پادشاهشان سیمرغ، سفری را آغاز می‌کنند. در هر مرحله، گروهی از مرغان به بهانه‌هایی پا پس می‌کشند تا اینکه، پس از عبور از هفت مرحله سرانجام از گروه انبوه مرغان که در جست‌وجوی «سیمرغ» بودند تنها «سی مرغ» باقی می‌ماند و چون به خود می‌نگرد در می‌یابد که آنچه بیرون از خود می‌جست‌هاند «سیمرغ» اینک در وجود خود آنهاست، پس حقیقت را در وجود خویش کشف می‌کنند.

عطارد این هفت منزل را هفت شهر عشق می‌نامد. که به ترتیب چنین است: طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و فقر که سرانجام به فنا می‌انجامد. شیخ فریدالدین عطارد نیشابوری آثار دیگری مثل اسرارنامه، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه، مختارنامه، تذکرةالاولیا، دیوان غزلیات و قصاید از خود به یادگار گذاشته است.

در شعرهای عطارد گاهی دیوانگانی هم پیدا می‌شدند دیوانگانی که عطارد آنها را عقلای مجانین (خردمندان دیوانه) می‌نامید. روزی عطارد از دیوانه‌ای پرسید که چطور به این حال و روز افتاده است و دیوانه در جواب عطارد گفت: «یک روز آفتاب به گلولیم رفت و من دیوانه شدم.» جواب دیوانه، ساعت‌ها

عطارد را به فکر فرو برد. همان روز داستان گفت‌وگوی خود با دیوانه را به شعر درآورد این چنین بود که کم‌کم آدم‌های مجنون هم به دنیای شعر عطارد راه پیدا کردند.



میلاد حضرت زهرا(س)

۳۱
فروردین

مکه غرق در نور

خدیجه(س) تنها مانده بود؛ تنها و بی رمق. نگاهش به آسمان پشت پنجره بود. صدا زد: «پروردگارا تو هرگز مرا فراموش نکردی در این لحظه‌های تنهایی مرا دریاب.» صدایش بغض‌آلود بود و گریه‌امانش نمی‌داد: «خدایا به تو پناه می‌برم که تنها پناه رنج دیدگانی.»

تاریک روشن غروب بود و سایه بلند نخل روی دیوار حیاط افتاده بود. ناگهان نوری از میان پنجره تابید. انگار دامنی از ستاره در اتاق پاشیده باشند. خدیجه(س) پلک برهم زد و ریز نگاه کرد. درد سختی در مهره‌های کمرش می‌چرخید. موج‌های رنگین نور فضا را پر کرد و زنی پیشاپیش سه زن دیگر به طرف خدیجه(س) آمد. آن که پیش‌تر بود گفت: «سلام و درود خدا و فرشتگانش بر تو؛ نترس! ما رسولان خدا بر تو هستیم؛ من ساره‌ام همسر ابراهیم(ع)؛ این آسیه است که دوست و همدم تو در بهشت خواهد بود.

این مریم مادر عیسی(ع) است و او کلثوم خواهر موسی بن عمران...»

لبخندی روی لب‌های خشکیده خدیجه(س) نشست. ضربان قلبش آرام‌تر شده بود و دردش سبک‌تر. زیر لب زمزمه کرد: «پروردگار مهربان! تو مرا فراموش نکردی...» ماه از پشت ابر بیرون آمد و تمام مکه غرق نور شد.

خدیجه(س) نفس عمیقی کشید

بوی مشک و عنبر می‌آمد.

ساره قنداق سفید را پهن کرد. چهار حوری بهشتی

فاطمه(س) را

شستند و میان

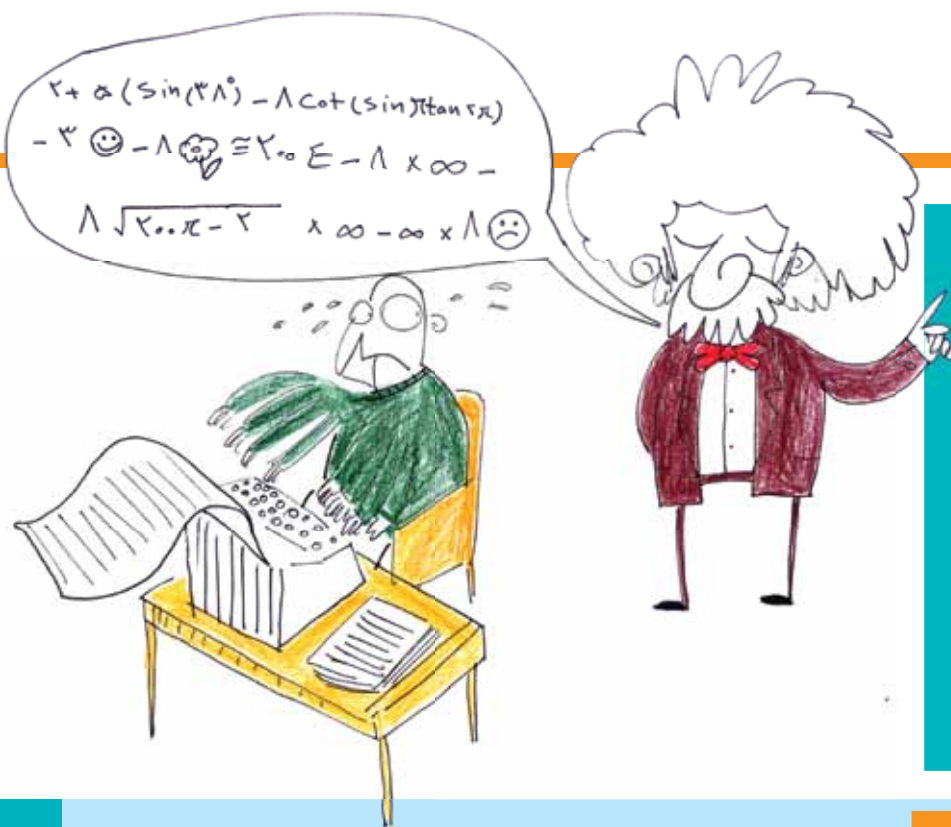
قنداق پیچیدند.

نسیم خنکی

صورت عرق‌کرده

خدیجه را نوازش

می‌داد.



خنده

خواندنی‌های تاریخی!

فروردین/البور تور بیست

در ادامه قصد داریم برخی از مناسبت‌های تاریخی و علمی فروردین ماه را در طول تاریخ بشریت، از دریچه طنز بررسی کنیم. پس با ما همراه باشید:

● آقای جرج وستینگهاوس (مخترع آمریکایی) که به شدت سرمایی و زن ذلیل بود و از لباس چروک هم بدش می‌آمد، اولین اتوی برقی و بخاری برقی جهان را اختراع کرد تا در گرمای بخاری‌اش بنشیند و لباس‌های چروک خودش و همسرش را اتو کند!

● امیر خسرو دهلوی (بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی هند) به دنیا آمد. او از دوران جوانی به شعر و شاعری مشغول شد و خیلی زود به سبب ذوق سلیم و طبع حساسی که داشت شهرت پیدا کرد. هر چند برخی معتقدند اگر در زمان زندگی ایشان بالیوود (سینمای هند) مثل امروز رونق داشت در کنار شاهرخ‌خان و سلمان‌خان، امیر خسرو خان هم برای خودش سوپرستاری می‌شد!

● رابرت کخ (دانشمند آلمانی) که بیش از ده سال درباره بیماری سل تحقیق کرده بود، عامل این بیماری را کشف کرد. این باکتری به نام مخترعش، باسیل دوکخ نامیده شد. با این حساب، الکی نبوده که دانشمندان ما سراغ کشف باکتری وویروس نمی‌رفتند و گر نه الان اسم نصف ویروس‌ها و باکتری‌های دنیا ابوعلی سینا و زکریای رازی بود!

● دکتر کراوفورد لانگ در قرن نوزدهم در آمریکا متولد شد. او اولین پزشکی بود که اثر را به عنوان داروی بیهوشی به کار برد. گویا تا قبل از آن، پزشکان هنگام جراحی، بیماران را با تعریف کردن لطیفه و خواندن صفحات طنز رشد جوان سرگرم می‌کردند تا بیمار نفهمد شکمش در حال سفره شدن است!

● فوشارد، دندان‌ساز فرانسوی برای اولین بار با استفاده از مواد

غیرطبیعی دندان مصنوعی را اختراع کرد. اهمیت اختراع وی زمانی مشخص می‌شود که بدانید تا قبل از آن از دندان‌های مردگان برای ساختن دندان مصنوعی استفاده می‌شد!

● هانس کریستین آندرسن، قصه‌گوی بزرگ کودکان در دانمارک متولد شد. آندرسن در نوجوانی پدرش را از دست داد و برای گذراندن زندگی به عنوان شاگرد خیاط مشغول کار شد. احتمالاً از همین جا بود که هانس یاد گرفت چطور باید حوادث و شخصیت‌های یک داستان را به هم وصله پینه کند و یک قصه جذاب بدوزد! بندانگشتی، جوجه اردک زشت و دخترک کبریت‌فروش از آثار اوست.

● یوهان ولفگانگ گوته (استاد مسلم ادبیات آلمان) بعد از نود سال زندگی از دنیا رفت. گوته به ایران و ادبیات ایرانی به خصوص حافظ علاقه بسیار داشت. او در مقایسه با حافظ تا جایی پیش می‌رود که خویشتن را با خاک کوچه یکی می‌کند و می‌نویسد: حافظا... تو آن کشتی‌ای هستی که مغروانه باد در بادبان افکنده است تا سینه دریا را بشکافد و پای بر سر امواج نهد و من آن تخته‌پاره‌ام که بی‌خودانه سیلی خوراقیانوسم!

● آلبرت اینشتین (بزرگ‌ترین فیزیکدان و ریاضیدان جهان در قرن بیستم) پس از ۷۶ سال زندگی چشم از جهان فرو بست. در زمان تولد اینشتین، مادرش به خاطر اینکه سر او بسیار بزرگ بود و حالتی عجیب داشت خیلی نگران بود که خدایی ناکرده بچه‌اش خنگ از آب دربیاید که چنین نشد و فرزندش نابغه از آب درآمد! آلبرت خیلی دیرتر از بچه‌های معمولی حرف زدن را آغاز کرد ولی وقتی شروع به حرف زدن کرد تا روزی که زنده بود دیگر کسی نتوانست او را متوقف کند و همین‌طور نظریه و تئوری بود که پشت سر هم می‌بافت و می‌گفت!

کنکور رشد

المپیاز / نویسنده: گرد عالی

۱. زنبورهای عسل چگونه عسل تهیه می کنند؟

- (۱) از عسل فروشی ها
- (۲) از چین وارد می کنند.
- (۳) چون مرض قند دارند مدتی است تهیه نمی کنند.
- (۴) موارد ۱ و ۲ و ۳ صحیح نمی باشد.

۲. چرا در شمال کشور سقف ها را شیب دار می سازند؟

- (۱) شیب؟ سرمایه ملی؟ جانگل؟
- (۲) زیرا در جنوب کشور سقف ها را شیب دار نمی سازند.
- (۳) برای اینکه بچه ها نروند بالای پشت بام و خدای نکرده به زمین بخورند و سرمایه های ملی بترکند.
- (۴) چون شیب به بالا رفتن و پایین آمدن از سقف کمک می کند و انرژی کمتری می برد.

۳. مهم ترین جلگه آمریکای شمالی چه نام دارد؟

- (۱) می سی سی پی
- (۲) ام پی تی ری
- (۳) دو سه سی سی
- (۴) سی سی یو پی
- (۵) آی سی دی ال

۴. مهم ترین ابزار مصریان در ساخت اهرم ثلاثة چه بود؟

- (۱) اهرم اهرام ثلاثة (آچار فرانسه مصری به اضافه ملات به مقدار لازم)
- (۲) نیرو و کار ارزان در کشور دوست ، چین
- (۳) افزایش سود ناخالص ملی از طریق مونتاژ مومیایی
- (۴) از همان چیزهایی که در فیلم یوزارسیف نشان نشان می دادند



ایستگاه شعر

شاعر: بتون طلایی

تو از عصر حجر افسانه بسیار می گویی
کمی از اختراع تسمه و افسار می گویی
از آن روزی که آدم کشف کرد آتش
و هیزم را
که با آن گرم گردد در درون غار می گویی
و از اینی که می انداختند آن روزها زن ها
طلانه بلکه دور گردن خود مار می گویی
بشر با برگ می پوشاند خود را
کار سختی بود
خدا خیرت دهد وقتی که از شلوار
می گویی
گمانم چند سالی بیشتر از نوح سن داری
که از عصر حجر تا دوره قاجار می گویی

هر کس کت و شلوار خودش را دارد
هر یار فقط یار خودش را دارد
۷۳ منبع موثق داریم
هر منبعی آمار خودش را دارد

خدایا بنده زار و بیچاره
تو این دنیا یه خواهش از تو داره
به غیر از تو که ستار العیوبی
کسی آمار ما رو در نیاره



صدای مشاور / نویسنده: آقا کوچولو



مشاور جان، دست روی دلم نگذار که خون است. بچه‌های مردم سوسیس را می‌گذارند توی مایکروفر، کباب می‌کنند و پدرشان سوسیس کباب شده را به‌عنوان اختراع بچه‌شان قاب می‌کند می‌زند به دیوار اتاق پذیرایی، اما پدر من که به‌جای بخاری خراب ماشینش یک بخاری تازه برای اتومبیلش اختراع کردم حسابی مرا دعوا کرد. او مرا متهم به بی‌عقلی، جاهلی، نادانی و چند تا صفت دیگر نمود که چون ممکن است خانواده‌ها هم صفحه شما را مطالعه کنند از تکرار آنها خودداری می‌کنم. عکس بخاری اختراعی خودم را برایتان می‌فرستم تا حداقل شما مرا تشویق کنید و آیندگان را از وجود مخترعی بزرگ محروم نکنید!

یک مخترع سرخورده با مدل موی خشنی!

مشاور: جناب مخترع سرخورده با مدل موی خشنی! (ا) لطفا خط‌های ارتباطی ستون مشاوره را اشغال نفرمایید؛ زیرا حتما همین الان پدرتان با دنیایی از ناامیدی و خشم فروخورده و احساس پوچی و یاس فلسفی و خیلی چیزهای دیگر سعی دارد با من تماس بگیرد و برای برخورد با چنین پسری راه حل و مشاوره بخواهد

آقای مشاور، من به‌عنوان یک شهروند چین، مشکلم را با تفکر و تعقل بسیار حل کردم و فقط می‌خواهم راه‌حل من را با شما در میان بگذارم تا فکر نکنید فقط خودتان بلید برای مشکلات مردم راه‌حل نشان دهید. من صاحب یک چهارقلو هستم که امسال به مدرسه رفتند. راستش در ابتدای سال ما برای شناختن این چهار تا بچه از هم خیلی مشکل داشتیم؛ چون علاوه بر صورت، لباس‌ها، کفش و لوازم التحریرشان هم مثل هم بود. پس من یک فکر بکر کردم و برای اینکه بچه‌هایم را از هم تشخیص بدهم که کدام قل اول است و کدام قل دو و سوم و چهارم؛ روشی را اجرا کردم که مشاهده می‌کنید.



به قول ما چینی‌ها برو حالشو ببر! تاتاشی اکبندینو از چین و ماچین!

مشاور: راه‌حل شما چند روزی است مرا در وادی حیرت سرگردان کرده و الان شک کردم که شاید شرلوک هلمز خدایبامرز هم با آن راه‌حل‌هایی که به مخش می‌رسید، چینی بوده و انگلیسی‌ها او را مصادره کرده بودند. در ضمن، یکی از دلایلی که انسان‌ها پیراهن به تن می‌کنند علاوه بر اینکه آنها را از سرما و گرما محافظت می‌کند، این است که می‌توان با پوشاندن پیراهن با رنگ‌های مختلف بر تن هر کدام از چهارقلوها، آنها را شناخت و سرشان را مثل ببعی‌های اسکاتلندی این‌طوری نتراشید!

آقا ما اینجا در کشور هند به عادل فردوسی‌پور دسترسی نداریم، شما لطف کن از ایشان بپرس تکل با خرطوم در فوتبال خطا هست یا نه! یک تصویر از صحنه تکل خرطومی هم برایتان می‌فرستم تا اگر عادل خان خواست آن را به آقای فنایی نشان دهد و نظر کارشناسی ایشان را هم بگیرد. در ضمن یادتان نرود که: تیم فیل‌ها قهرمان میشه؛ خدا می‌دونه که حقشه؛ به لطف یزدان و بچه فیل‌ها... لا لای لای، لا لای، لا لای!

امضاء- جمعی از فیل‌بالیس‌های هند!

مشاور: ای فیل‌بالیس‌های محترم! ما اینجا کم از دست فوتبال آدم‌ها نمی‌کشیم که حالا بخواهیم مشکلات فوتبال فیل‌ها را در هند هم تحمل کنیم! نه داداش... لطفا! بی‌خیال ما شوید و خودتان همان‌جا یک کاریش بکنید. اصلاً مگر ما که اینجا آمیتا‌باچان نداریم، سؤال‌های مربوط به فیلم‌های هندی‌مان را از آمیتا‌باچان شما می‌پرسیم؟ می‌رویم از پرویز پرستویی خودمان می‌پرسیم دیگر!



زنگ انشاء

نویسنده: م. سر به هوا

موضوع انشاء: عید

با نام و یاد خدا قلمم را در دست می‌گیرم و می‌نویسم. بر همگان واضح و مبرهن است که عید خوب است. زمانی که طبیعت چهره‌ای نو به خود می‌بیند و ما نیز از خداوند می‌خواهیم تا حالی نو و بهتر از پیش داشته باشیم. سفره هفت‌سین، دید و بازدیدها، صلۀ رحم و... همگی خوب است، اما در این میان باید به چند نکته مهم توجه ویژه داشت. پوست تخمه ارزش غذایی خاصی ندارد، پس دلیلی هم ندارد تخمه را با پوست بخوریم؛ چون فقط باعث دل‌درد می‌شود. تفاوت‌های زیادی بین دندان و قندشکن وجود دارد، پس بهتر است پسته‌های زبان‌بسته را به دستان قندشکن، چکش و... سپرد. نیازی به توضیح ندارد که دندان درد بد دردی است و هزینه‌های دندان‌پزشکی از آن هم دردناک‌تر است. معمولاً برخی دید و بازدیدها به صورت فشرده انجام می‌شود؛ برای مثال در یک روز ده دید و بازدید صورت می‌گیرد. در نتیجه اگر هر چیزی را که تعارف می‌کنند بخوریم، منزل یازدهم می‌شود دل‌پیچه و در مانگاه. و اما عیدی که رسم بسیار بااهمیتی است. بچه‌ها اقتصادی فکر کنند و سریع هله و هوله نخرند. پس‌انداز کردن هم خوب است. بزرگ‌ترها هم سعی کنند آن را به بهترین شکل انجام دهند. بزرگ‌ترهای عزیز، لطفاً در عمل به این رسم، به تورم توجه کنند و حتماً عیدی‌ها را متناسب با ارزش روز پرداخت نمایند. این موضوع عیدی آن قدر مهم است که وقتی اواسط اسفند سال قبل همراه پدرم رفته بودیم به اداره‌ای برای گرفتن مجوزی، با وجود اینکه مسئول آن قسمت کارش ارتباطی با نهادهای حمایت از کودکان نداشت مرتب بر رعایت حقوق بچه‌ها تأکید می‌کرد و هی به پدرم می‌گفت شیرینی و عیدی بچه‌ها یادت نره! این بود انشای من.



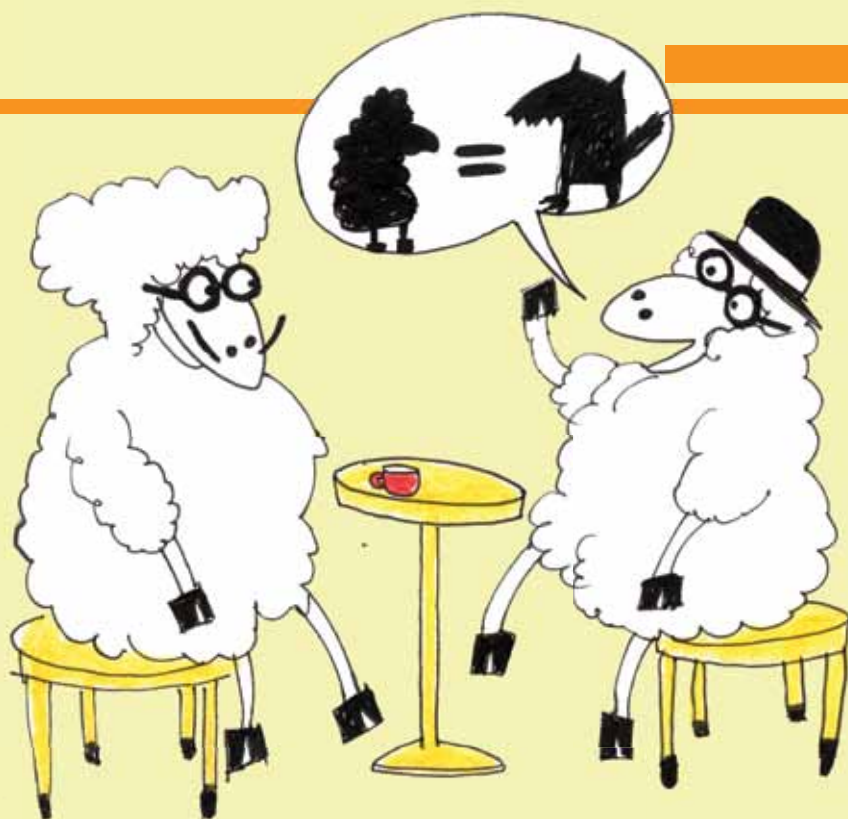
آقای مشاور من در فرصت کمی که دارم از این دکترهای خارجی به شما شکایت می‌کنم؛ چون وقتم رو به پایان است تصاویر دلایل شکایتم را ضمیمه می‌کنم. دیدار به قیامت.

مشاور: به قول شاعر گاهی وقت‌ها چه زود دیر می‌شود... فاتحه!



کاریکلماتور

- | | |
|---|---|
| <p>بالا رفته‌اند.</p> <ul style="list-style-type: none"> ● مردم برای دیدن ارتوپد سر و دست می‌شکنند! <p>علی زارع</p> <ul style="list-style-type: none"> ● مرگ، انسان‌ها را از چوب‌لباسی بودن برمی‌دارد. ● ساحل در کف موج است. | <p>علی مرسلی‌اهری</p> <ul style="list-style-type: none"> ● بی‌هیچ ردپایی رفته بود، فهمیدم پریدن را یاد گرفته است. ● چون از صدای قلبم خوابم نمی‌برد، خاموشش کردم و خوابیدم. <p>علیرضا فرج‌اللهی</p> <ul style="list-style-type: none"> ● انسان‌های افتاده، از پلکان تواضع |
|---|---|



یاد دارم گفت یک فرد وزین
با من از روی شکایت این چنین
هر که جرمش بیش وزنش بیشتر
هر که وزنش بیشتر درویش تر
وزن بالا ای برادر، ای پسر
در پشش دارد هزاران دردسر
تا کنون در رفته‌ای جانا قِسر
می‌شوی یک روز آخر منفجر
وزن خود کم کن که خوبان جهان
غالباً کم بوده نرخ وزنشان
وزن بالا چربی خون آورد
قصه‌های عشق مجنون آورد!
خواهی آیا صاحب همسر شوی؟
یک کمی ورزش بکن لاغر شوی
گر روی استخر عالی می‌شود
آب آن استخر خالی می‌شود
هر که جرمش بیش وزنش بیشتر
هر که وزنش بیشتر درویش تر



مقصد عالی

تا عاقبت خویش به نیکی برسانیم
ما را به خودش کرده پدر سوخته مشغول
این غول در ابعاد خودش دیو سپیدی ست
ای کاش که این دوره محنت به سر آید
یک سو همه و سوی مقابل عربیات!
تا اینکه سرانجام شود نوبت کنکور
بینیم که در محضر ما چون شکلات است
فیزیک و ریاضی و جهان بینی او را
زیر لگد و جفتک ما نقش زمین است
sanjesh.org بکند رو به من آن روز
این است سرانجام مشقات فراوان

یک سال فقط در پی کنکور دوانیم
خوانیم شب و روز که کنکور چنان غول
هی تست بزن تست زدن کار مفیدی ست
هر کار که گویند از این دیو بر آید
شیمی و ریاضی و زبان و ادبیات
خوانیم شب و روز به هر شیوه مقدور
آن دیو که دارای دو طومار صفات است
بر خاک بمالیم تن و بینی او را
کنکور که گویند چنان است و چنین است
آن دیو کشد از ته دل ناله جانسوز
گوید که سرانجام قبولی تو پسر جان



تربیت، گوسفند را!

ماجرای گوسفندی ارجمند
پشم هایش از سفیدی مثل قند
دمب هاش پر پشت و ابرویش کمند
خوشگل و خوش هیكل و شاسی بلند
دکترای بعضی از ایرلند
از پدر سوئیس و از مادر هلند
با من مفلس کمی صحبت کنند
در جوابم گفت: «تیشیت را ببند!»
با خودت هستی تو یارو چند چند؟
داد من را با همین رفتار پند
روی گنبد باشد ای اندیشمند
هر چه باشد، هست در کل «گوسفند»

با تو گویم ماجرای گوسفند
هر چه گویم من از او کم گفته ام
کل دندانها ردیف و رو به راه
شاه بیت گوسفندان جهان
گفت چوپانش که دارد این عزیز
از هولشتاین است ایشان را نژاد
با خودم گفتم که شاید این جناب
گفتمش: «بع بع» که یعنی: «مخلصم!»
مردک بی مزه بع بع می کنی؟
بی ادب با اینکه حالم را گرفت
تربیت ناهل را چون گردکان
گوسفند با کلاس و مدعی



10 Gradually draw in the dry ingredients, adding the remaining banana mixture.



11 Stir until just smooth; if the batter is over-mixed, the banana bread will be tough.



12 Spoon the batter into the prepared pans. The pans should be about half full.



13 Bake for 35–40 minutes, until the loaves start to shrink from the sides of the pans.



14 Test the loaves with a metal skewer inserted in the center; it should come out clean.



15 Let the loaves cool slightly, then transfer to a wire rack to cool completely.



16 Serve the banana bread sliced and spread with cream cheese, or toasted and buttered.

STORE Banana bread will keep in an airtight container for 3–4 days.

Banana Bread

Malihe Zarif

Ripe bananas are delicious baked in this sweet quick bread. Spices and nuts add flavor and crunch.



Makes
2 loaves



20-25
MINS



35-40
MINS



UP TO 8
WEEKS

Special equipment
2 x (8 1/2 x 4 1/2 x 2 1/2 in / 21.5 x 11 x 6 cm / 1 lb) loaf pans

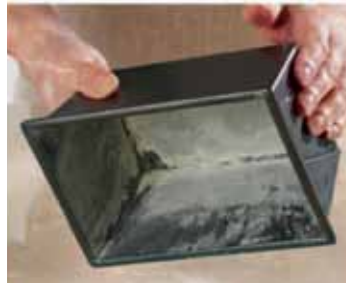
Ingredients

unsalted butter, for greasing

- 2 3/4 cups all-purpose flour, plus extra for dusting
- 2 tsp baking powder
- 2 tsp cinnamon
- 1 tsp salt
- 1 cup (4oz) walnut pieces, coarsely chopped
- 3 large eggs, at room temperature
- 3 ripe bananas, peeled and chopped
- finely grated zest and juice of 1 lemon
- 1/2 cup vegetable oil
- 1 cup sugar
- 1/2 cup brown sugar
- 2 tsp pure vanilla extract



1 Preheat the oven to 350°F (180°C). Grease each of the loaf pans thoroughly.



2 Sprinkle 2–3 tablespoons flour into each pan and turn to coat, then tap to remove excess.



3 Sift the flour, baking powder, cinnamon, and salt into a large bowl. Mix in the walnuts.



4 Make a well in the center of the flour mixture for the wet ingredients.



5 With a fork, beat the eggs in a separate bowl just until mixed.



6 Mash the bananas in another bowl with a fork until they form a smooth paste.



7 Stir the bananas into the egg until well blended. Add the lemon zest and mix well.



8 Add the oil, both sugars, vanilla, and lemon juice. Stir until thoroughly combined.



9 Pour 3/4 of the banana mixture into the well in the flour and stir well.

برخلاف جاذبه

بارها شده که دلمان برای بازی‌های معمایی تنگ شده است و خواسته‌ایم بدون درگیرشدن در داستان‌های پیچیده، مسیری برای گذر از معما بیابیم.

چند سال پیش، بازی پورتال (Portal) با ورود به بازار بازی‌های ویدئویی نظر بسیاری از منتقدان را به خود جلب کرد. این بازی که در قالب اول شخص است، در محیطی فرازمینی اتفاق می‌افتد که در آن غلبه بر جاذبه و گذر از اجسام به وسیله دستگاهی که در دست‌تان است، ممکن است. در طول بازی شما در هر مرحله وارد



استفاده صحیح از اسلحه‌ای که در دست‌تان است و همچنین اجسام موجود مسیر خود را برای رسیدن به مرحله بعد بیابید. نسخه جدید این بازی که سری سوم از آن است به زودی وارد بازار خواهد شد.

محیطی خواهید شد که باید مسیر خروج را پیدا کنید که البته در شروع بسیار ساده است. اما با پیش رفتن در اتاق‌ها و دالان‌های تودرتو و طبقات مختلف به پیچیدگی آن اضافه می‌شود. شما باید با استفاده از قوه تخیل و

شربت ترش

● زغال اخته خشک: ۱۰۰ گرم
● لواشک انار: به میزان لازم
● نمک و گلپر: به میزان لازم
برای تهیه نوشیدنی، ابتدا لواشک آلو یا هرلواشکی را که دارید با مقداری آب درون قابلمه ریخته، روی شعله ملایم قرار می‌دهیم تا لواشک در آب حل شود. سپس آلبالوی خشک، زغال اخته و آلوچه‌های خیس خورده، آب انار و نمک و گلپر را به آن اضافه می‌کنیم و در حین پخت با پشت قاشق آنها را له می‌کنیم تا مواد حساسی با هم ترکیب شوند. این کار را تا وقتی که به غلظت دلخواه برسیم ادامه دهیم.
بعد از اتمام این مرحله مواد را از صافی درشت عبور می‌دهیم سپس آن را در لیوان می‌ریزیم و روی آن را با گلپر تزیین می‌کنیم.

وقتی هوا رو به گرم شدن می‌رود، همه کسانی که عاشق تابستان و میوه‌های آن هستند خود را برای میوه‌های ترش آن مثل آلوچه، زغال اخته و نیز لواشک آماده می‌کنند. البته این روزها آب بعضی از میوه‌های ترش در بازار است و حتی در فصل بهار هم می‌شود به استقبال تابستان رفت.

این نوشیدنی با ترکیب آب انار، آلبالو خشک، آلوچه و زغال اخته تهیه می‌شود که حتما از خوردن آن لذت خواهید برد. غلظت این نوشیدنی بستگی به میزان میوه‌های خشک آن دارد و البته برای رقیق کردن می‌توانید مقدار آب انار را بیشتر کنید. برای تهیه نوشیدنی برای دو تا سه نفر به موارد زیر نیاز دارید:

مواد لازم:

- انار دانه شده: ۲۰۰ گرم
- آلبالو خشک: ۱۰۰ گرم
- آلوچه خشک: ۱۰۰ گرم



۳ کتاب، ۳ خوش‌شانسی

تاریخ فرهنگ و تمدن یونان، آتی پیرسون، محمد صادق شریعتی، انتشارات سبزان.

تلفن: ۸۸۳۱۹۵۵۸



دردانه رسالت: صد و ده داستان و صد و ده روایت از زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها، محمد رحمتی شهرضا، انتشارات جوانان موفق.

تلفن: ۰۲۵۱-۲۹۰۲۵۹۴



طولانی‌ترین آواز نهنک، ژاکلین ویلسون، نسرين وکیلی، انتشارات افق.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۳۳۶۷



کتاب ماه

هزار و یک شب



شهرزاد جوان هر بار با قدرت تخیل و سیاست پیشگی‌اش تلاش می‌کند تا مرگ خود را به تعویق بیندازد. با گفتن داستان‌های شگفت‌آور، خلق شخصیت‌های عجیب در ماجرای‌های عجیب و تنیدن دنیای سحرآمیز با موجودات هولناک. ولی آیا تمام این‌ها امکان نجات جان او را می‌دهد؟

هزار و یک شب (نمایشنامه)، اقتباس: دومینیک کوک، اردشیر مهربادی، احمد سپاسدار، انتشارات نخستین.

تلفن: ۶۶۴۹۸۱۴۸

۳ کتاب، ۳ دوست

پنیر مرا کی جابه‌جا کرد؟ دکتر اسپنسر جانسون، ترجمه سعید خاکسار، انتشارات موزون.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۳۸۲۵۶



مصریان باستان برای من چه کار کرده‌اند؟، پاتریک کتل، مجید عمیق، انتشارات محراب قلم.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۸۱۹۰



نمکی و مار عینکی، فرهاد حسن زاده، انتشارات سوره مهر.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۰۹۹۳



سفر به گذشته

گشتی در مجموعه کاخ گلستان

اگر پایتخت نشین هستید یا مسافر نوروزی پایتخت، بد نیست برای یک گردش کوتاه در ایام نوروز و لایه‌لای دید و بازدیدهای نوروزی سری به کاخ گلستان بزنید. این کاخ مجموعه‌ای از بناهای مختلف ساخته شده‌اند. برای رسیدن به کاخ گلستان می‌توانید با مترو خودتان را به ایستگاه ۱۵ خرداد پرسانید از آنجا به طرف میدان ارگ بروید و با پرداخت ورودی، چرخی در محوطه کاخ‌های شاهان قاجار بزنید؛ شمس‌العماره، تالار عاج، تخت مرمر، تالار آیینیه، عمارت بادگیر، کاخ ابیض و چند کاخ دیگر که زمانی پای هر کسی به آنجا نمی‌رسید.

شروع ساخت آن به ارگ تاریخی تهران و زمان شاه طهماسب اول در دوران صفویه در بخش قدیمی شهر تهران باز می‌گردد که بخش‌های اصلی آن در درون حصار قدیمی تهران احداث شد. ولی در دوره قاجار گسترش فراوانی یافت و محل سکونت شاهان قاجار شد.



به مجموعه مراحلی که مغز برای حل یک مسئله، خلق یک ایده، آگاهی از یک مفهوم، توصیف یک اثر هنری یا اثبات یک تئوری به کار می‌گیرد خلاقیت می‌گویند.

خلاقیت

فاطمه مدیرفلاح

این مجموعه برای هر کس منحصربه‌فرد و شخصی است و چهار مرحله دارد:

۱. آمادگی: تلاش مغز برای حل مسئله از راه‌های معمول.

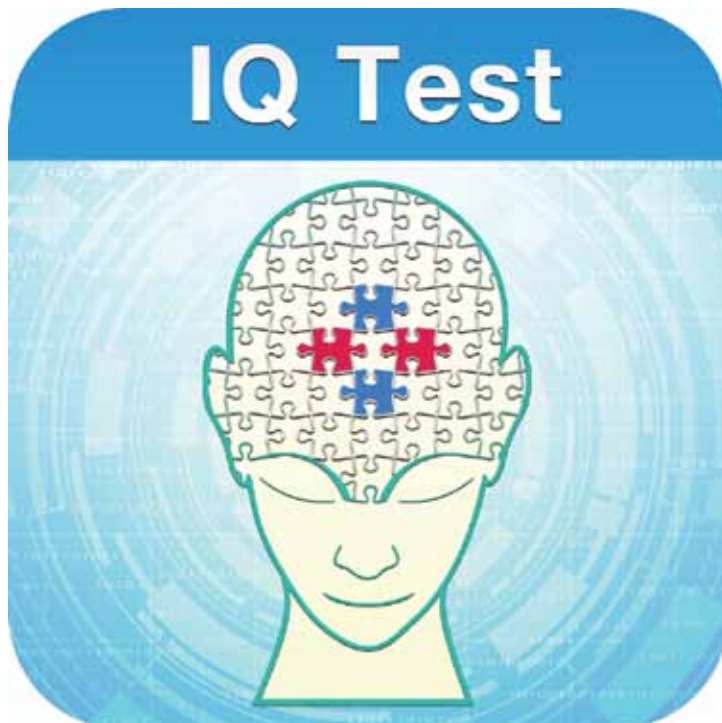
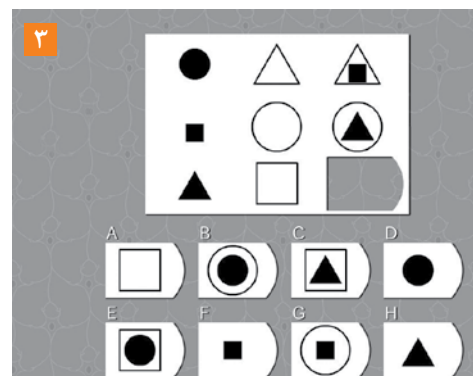
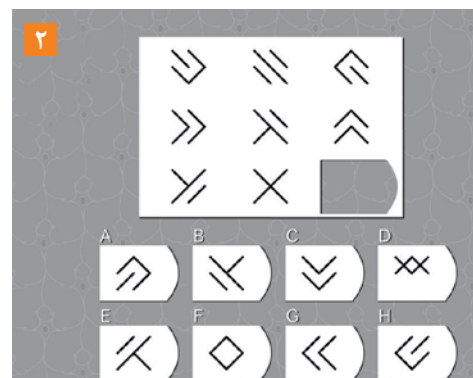
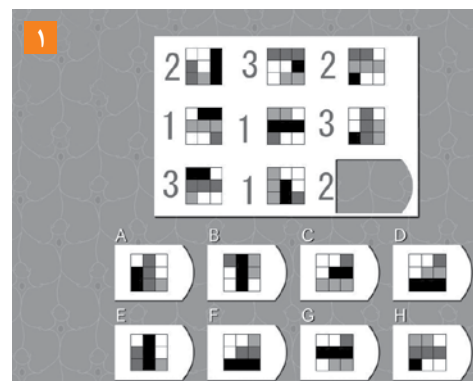
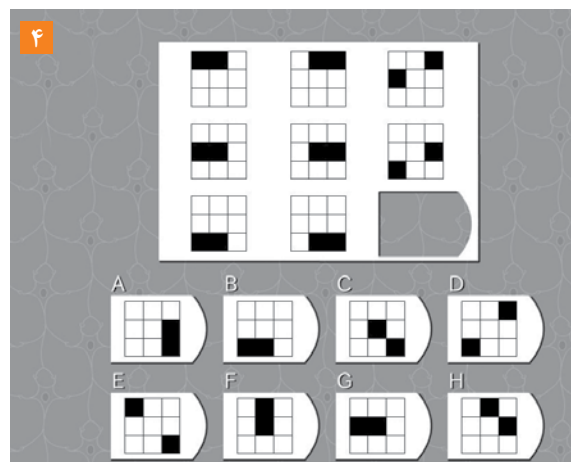
۲. پرورش موضوع: وقتی مغز نتوانست از راه‌های معمول

مسئله را حل کند خسته می‌شود و به سراغ راه‌های دیگر می‌رود.

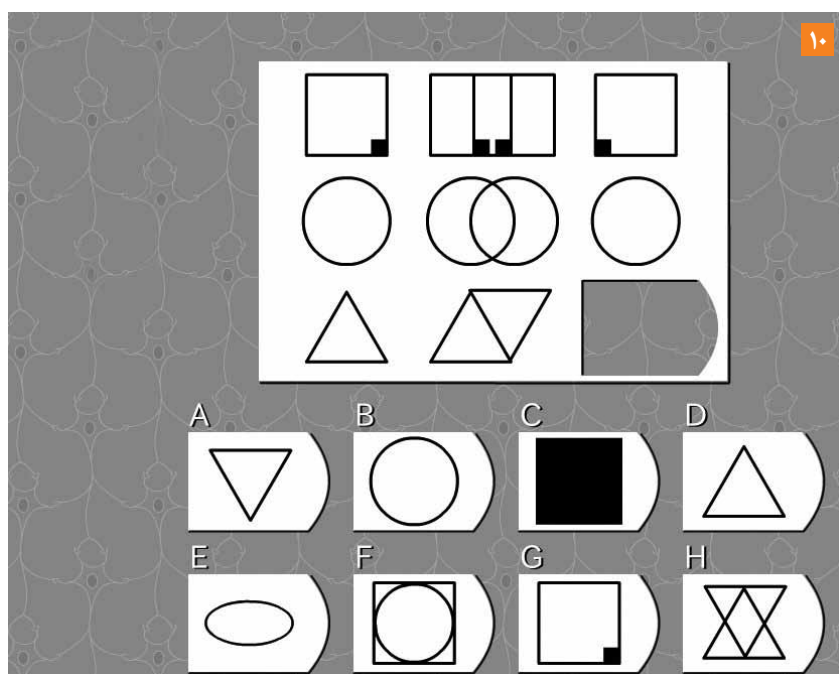
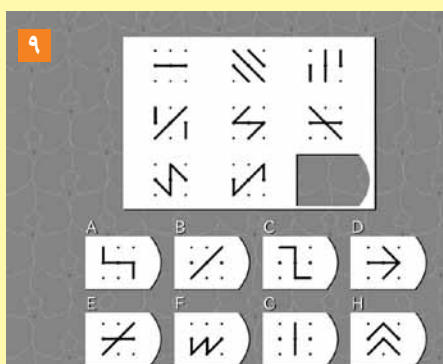
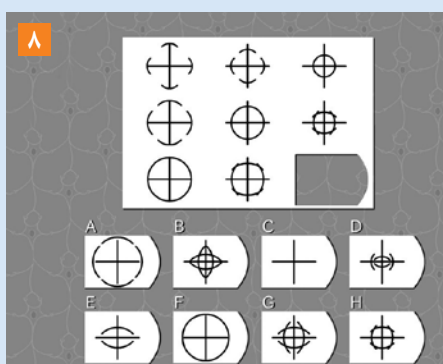
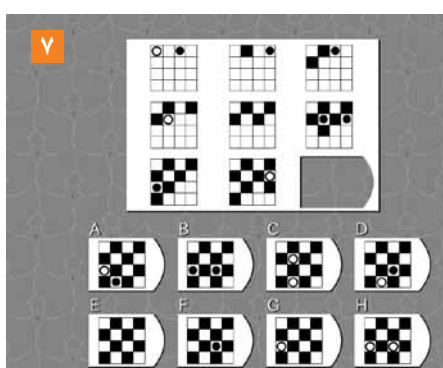
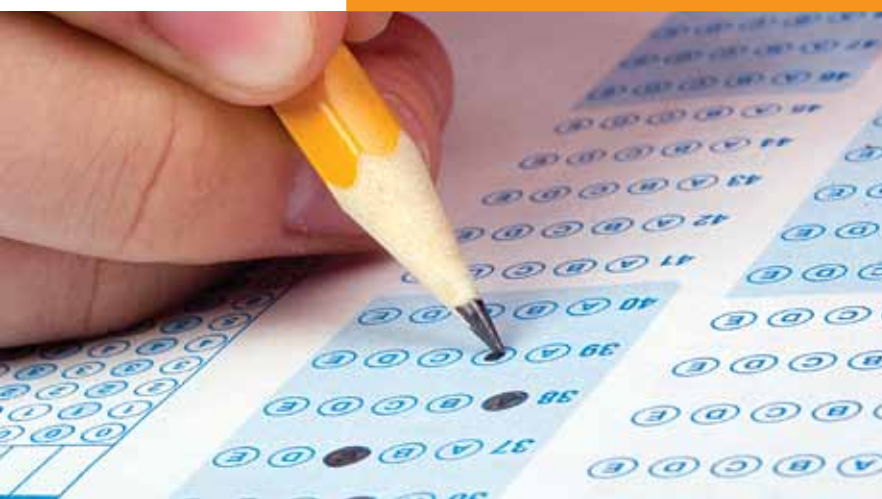
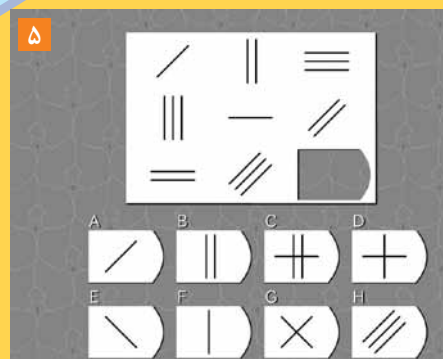
۳. یافتن راه‌حل: در این قسمت ناخودآگاه فرد ناگهان مثل جرقه راه‌حل را پیدا می‌کند.

۴. تأییدیه گرفتن: حالا قوه استدلال پاسخ را تحلیل و بررسی می‌کند و همه احتمالات را ارزیابی می‌نماید.

در ادامه برای آزمایش خلاقیت ذهن شما سؤال‌هایی طراحی شده‌اند که رفته‌رفته مشکل‌تر می‌شوند. برای حل آزمون‌های زیر ده دقیقه وقت دارید.



فروردین ۹۳





بازی دوباره

مریم حسین زاده

یکبار رفتیم سقز دیدیم یک تیم فوتبال تمرین می کند. نمی دانستیم که این تیم سقز است. گفتیم بیایید با ما مسابقه بدهید. آنها نگاهی به ما کردند و گفتند: «بروید، ما با شما بازی نمی کنیم.»

گفتیم: «چی شد؟ ترسیدید؟!»

آنها برای اینکه ما را گوشمالی بدهند، پذیرفتند. بازی کردیم و شکست سختی خوردیم. آنها با اختلاف پنج گل ما را بردند. ناصر کاظمی واقعا عصبانی شده بود. در بازی تمام بچه های تیم نبودند، فقط من بودم و ناصر کاظمی و شهید کاوه و شهید محراب.

تیم ما بدون آمادگی به میدان مسابقه رفته بود. ناصر کاظمی با عصبانیت می گفت: «شما بی توجهید. من می گویم شما این کار را نکنید آن کار را می کنید...»

هیچ وقت در صحنه عملیات هم تا این حد عصبانی نشده بود. وقتی برگشتیم، روی تیم کار کرد. آن قدر تمرینات سخت به ما داد و کار کشید تا تیم جا افتاد. بچه های دیگر هم آمدند و کمبودها جبران شد.

یک روز رفتیم ورزشگاه کنار رودخانه سقز، گفتیم می خواهیم مسابقه بدهیم. اول قبول نکردند و گفتند همان دفعه که بردیم، شما را بس است، خجالت نمی کشید و از این جور حرف ها. سپس ناصر کاظمی توپ به بغل جلو رفت و نمی دانم چه چیزی گفت که راضی شدند با ما بازی کنند.

این بار شکست سختی به آنها دادیم. فکر نمی کنم از آن روز خوشحال تر هم ناصر کاظمی را دیده باشم. مدام می گفت: «حالا درست شد. حالا دارید بازیکن می شوید.»

ناصر کاظمی فوتبالیست بود و در این رشته ماهر بود. شهید کاوه هم از فوتبالیست های خوب مشهدی بود. در یکی از عملیات ها، رسیدیم به پادگان جلدیان. ناصر کاظمی از کاوه پرسید: «شما و این بچه مشهدی ها در مشهد فوتبال هم بازی می کردید؟»

کاوه گفت: «بچه های مشهد همه فوتبالیست های خوبی هستند.»

کاظمی گفت: «خوب است که تیمی تشکیل بدهید.» پس از آن، در پادگان جلدیان کار ما شده بود بازی فوتبال. ناصر کاظمی کاپیتان بود و کاوه و بچه های مشهد دفاع بازی می کردند. ناصر کاظمی در خط حمله بازی می کرد و گل می زد. تیمی درست کرده بودیم و همه تیم ها را هم شکست می دادیم. تیم خوبی شده بود.

در سقز هم یک تیم درست کرده بود. هر وقت همه می آمدند و کاری نداشتند، نمی شد که مسابقه راه نیندازد. می آمد و می گفت: «جمع کنید بریم فوتبال.»

و توضیح می داد: «میدان فوتبال با میدان جنگ فرقی ندارد. من اینجا فرمانده هستم و هر چه می گویم، باید عمل کنید. این تمرین را هم فکر کنید تمرین جنگ است. اگر به حرف های من عمل نکنید، شکست می خورید. وقتی می گویم دفاع تیم این قدر دنبال توپ نیا، سر پست خود عمل کن، باید آن را عمل کند. فرمانده، فرماندهی خود را می کند و شما عمل می کنید؛ ترک پست نکنید.»

فوتبال را بسیار جدی می گرفت و به ما استراتژی و طرز فوتبال کردن را یاد می داد.

